



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مركز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

انتظار، باید ها و نبایدها

ابراهیم شهیدی سررستمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار، بایدها و نبایدها

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروسستانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	انتظار، بایدها و نبایدها
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: انتظار در تفکر شیعه
۱۳	اشاره
۱۵	۱ مفهوم انتظار
۲۱	۲ ضرورت انتظار
۲۳	۳ فضیلت انتظار
۲۳	اشاره
۲۴	چرا این همه فضیلت؟
۲۸	۴ وظایف منتظران
۲۸	اشاره
۲۸	۴_۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام
۳۴	۴_۲. پیراستگی از بدی ها و آراستگی به خوبی ها
۳۹	۴_۳. پیوند با مقام ولایت
۴۳	۴_۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق
۴۷	۴_۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید
۴۹	۴_۶. دعا برای تعجیل فرج
۵۱	۴_۷. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام
۵۳	۵ نقش سازنده انتظار
۵۳	اشاره
۵۳	۵_۱. از زاویه مفهوم انتظار

۵۶	۵_۲. از زاویه متعلق انتظار
۶۱	فصل دوم : بایدها و نبایدهای ترویج انتظار
۶۱	اشاره
۶۲	۱ ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام
۶۶	۲ شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی
۶۶	اشاره
۶۷	۱_۲. دیدگاه کلامی _ تاریخی
۸۷	۲_۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی
۹۹	۳ رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت
۱۰۴	۴ توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام
۱۰۷	۵ دشمن شناسی و دوست شناسی
۱۰۷	اشاره
۱۰۹	۱_۵. تولی و تبری در آموزه های اسلامی
۱۱۱	۲_۵. ضرورت دوست شناسی و دشمن شناسی
۱۱۲	۶ توجه به دیدگاه ها و نظرات مراجع عظام تقلید
۱۱۳	۷ توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی
۱۱۳	اشاره
۱۱۳	۱_۷. عوام زدگی و سطحی نگری
۱۱۴	۲_۷. روشنفکرزدگی و تأویل گرایی
۱۱۵	۸ زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست
۱۱۸	۹ توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی
۱۲۰	۱۰ گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی
۱۲۱	۱۱ پرهیز از تعیین وقت برای ظهور
۱۲۳	۱۲ پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس
۱۲۵	۱۳ پرهیز از اغراض جناحی و گروهی
۱۲۶	۱۴ پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

۱۲۸ کتابنامه

۱۳۸ درباره مرکز

سرشناسه: شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: انتظار، بایدها و نبایدها/ابراهیم شفیعی سروستانی؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما. موسسه فرهنگی موعود.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: [۲، ۱۶۹] ص.

فروست: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۷۹۲

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۲۶-۹

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۵] - ۱۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵-ق. غیبت.

موضوع: مهدویت -- انتظار.

موضوع: مهدویت.

شناسه افزوده: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی. استان قم.

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی موعود عصر (عج).

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۲/ش۷الف ۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۰۱۰۹

ص: ۱

پیشگفتار

پیشگفتار

یکی از مهم ترین ویژگی های مکتب تشیع، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت خداوند، واسطه فیض الهی و نجات بخش موعود است. براساس این اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام در حال حاضر نیز زنده، شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان بویژه شیعیان خود، فریادرس درماندگان و در انتظار روزی است که به فرمان خدا حرکت رهایی بخش و قیام عدالت گستر خود را آغاز کند.

با توجه به این اعتقاد موضوع «انتظار» در این مکتب جایگاه خاصی داشته و بخش عمده ای از معارف شیعی را به خود اختصاص داده است.

متأسفانه باید اذعان داشت که با وجود جایگاه بلندی که انتظار در مکتب شیعه دارد و با وجود تأکیدها و سفارش های فراوانی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر موضوع انتظار فرج شده است، شیعیان چنان که باید و شاید به این موضوع اهتمام نداشته و توجهی در خور به ابعاد مختلف آن نکرده اند. در چند سال گذشته نیز اگرچه اقبال مردم به باور مهدوی و فرهنگ انتظار چندین برابر شده و به ویژه از سوی جوانان شور و اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز می شود، امّا تلاش مناسبی از سوی حوزه های علمی، نهادهای آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی کشور برای آشناسازی نسل جوان با این باور و فرهنگ صورت نگرفته است و جامعه ما همچنان از نبود آثار مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف ابعاد گسترده موضوع یادشده را تشریح و تبیین کنند، رنج می برد. از این رو بر متولیان

امور فرهنگی، تبلیغی و آموزشی کشور، به ویژه رسانه های عمومی لازم است که بیش از پیش این موضوع را مورد توجه قرار دهند و با برنامه ریزی اساسی نیازهای مختلف نسل امروز را در این زمینه برآورده سازند.

کتاب حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش ها و ابهام های موجود در زمینه فرهنگ انتظار از یک سو و تبیین بایسته های ترویج و تبلیغ این فرهنگ از سوی دیگر فراهم آمده است و از این رو در فصل اول آن مباحث مختلف مرتبط با فرهنگ انتظار، همچون مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران و نقش سازنده انتظار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل دوم آن نیز مهم ترین بایدها و نبایدهایی که شایسته است مراکز، مؤسسات و نهادهای فرهنگی، تبلیغی، تحقیقی و... در زمینه ترویج و تبلیغ فرهنگ و باور مهدوی مورد توجه قرار دهند، بررسی شده است.

در این کتاب تلاش شده که پس از تبیین و توضیح هر موضوع، منابع و کتاب های مرتبط با آن موضوع نیز معرفی شود تا خواننده به راحتی بتواند در زمینه آن موضوع به پژوهش و مطالعه تفصیلی بپردازد.

در پایان آرزو می کنیم که این اثر مورد قبول حضرت بقیه الله الاعظم، ارواحنا له الفداء، واقع شود و بتواند پرسش های مختلفی را که در زمینه موضوع انتظار مطرح است پاسخ گوید. ان شاء الله

ابراهیم شفیعی سروستانی

۱۳ رجب ۱۴۲۵

فصل اول: انتظار در تفکر شیعه

اشاره

فصل اول: انتظار در تفکر شیعه

مقدمه

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی پردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقی کنند.

در این میان جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه الله و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در عالم هستی، تنها به جنبه فرا طبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارند هیچ گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عده ای هم ضمن توجه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام تمام هم و غم خود را متوجه ملاقات با آن حضرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت به شرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند.

اما در این میان گروهی با در نظر گرفتن همه ابعادی که بدان ها اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و درصدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسئله خلافت الهی انسان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت توجه شده و هم وظیفه ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور داشته نشده است.

شاید بتوان امام راحل امت، قدس سره، را به عنوان درخشان ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. ایشان با صراحت به نقد و بررسی برداشت های مختلفی که از مسئله انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و دیدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساختند:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم. اما، چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. ... اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام... (۱).

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می فرمایند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود. (۲).

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص ۱۹۸ _ ۱۹۹.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۷، ص ۲۵۵.

در این زمینه وارد شده است مورد بررسی قرار می دهیم تا روشن شود که:

۱. معنا و مفهوم انتظار چیست؟

۲. آیا انتظار ضرورت دارد؟

۳. فضیلت آن چیست؟

۴. چه وظایفی در عصر غیبت بر عهده منتظران است؟

۵. انتظار چه آثار سازنده ای بر فرد و جامعه دارد؟

۱ مفهوم انتظار

۱ مفهوم انتظار

«انتظار»، یعنی «چشمداشتن» و «چشم به راه بودن»^(۱). چشمداشت یک تحول، چشمداشت یک رویداد خوب، چشمداشت یک گشایش،... یا چشم به راه یک آینده مطلوب، چشم به راه یک عزیز سفر کرده، چشم به راه یک دستگیر، چشم به راه یک منجی و... به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان ها عجین شده است و می توان گفت که همه انسان ها به نوعی منتظرند.

به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت، از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

أَلْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ وَالِدَةٌ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا. (۲)

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی کاشت.

همچنین حکایت شده است که:

روزی عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمینی را شیار می کرد،

۱- ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ذیل کلمه «انتظار»؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «انتظار».

۲- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳، ح ۸.

عیسی فرمود: بار خدایا! امید (آرزو) را از او بگیر. آن پیر دردم، بیل را به کناری انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! امید را به او بازگردان؛ بی درنگ آن پیر برخاست و شروع به کار کرد. (۱)

مولانا نیز این حقیقت را به زبان دیگری بیان می کند:

گر نبودی میل و امید ثمر

کی نشاندی باغبان بیخ شجر

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می گذارد. کودکی که تازه به دبستان پا گذاشته به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران آموزش ابتدایی درس می خواند و تلاش می کند. همین کودک دوران راهنمایی را با امید رسیدن به دوران دبیرستان سپری می کند و دوران دبیرستان را با این امید که روزی به دانشگاه راه یابد پشت سر می گذارد. وقتی همین کودک دیروز و جوان امروز وارد دانشگاه می شود امیدهای تازه به او توش و توان می دهد و به زندگی او معنا می بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن فرزند و... پس از تشکیل خانواده و به دنیا آمدن فرزندان، همه امیدها و آرزوهای انسان متوجه پیشرفت و ارتقای فرزندان می شود و به این ترتیب حکایت پایان ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می کند.

ناگفته نماند که این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، خود ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است. انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله های پیشرفت و ترقی است و این در

۱- تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲. به نقل از: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱، ص ۱۸۴،

همه انسان ها با تفاوت هایی در سطح کمال موردنظر و تلاش و جدیتی که برای رسیدن به کمال مطلوب صورت می گیرد، وجود دارد.

در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن شعله ای است در وجود انسان که هرچه فروزان تر و پرفروغ تر باشد تحریک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه این شعله به سردی و خاموشی بگراید؛ تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می پذیرد تا آنجا که او تبدیل به موجودی سرد، بی روح، بی نشاط، گوشه گیر و بی تحریک می شود و این همان حالتی است که در روانشناسی به «افسردگی» تعبیر می کنند. حالتی که شدت و ضعف و زمینه های به وجود آمدن آن ها در افراد مختلف متفاوت است، اما عامل آن در هر حال چیزی جز خشکیدن نهال امید در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان ها مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آن ها را در هر زمان پویا و پایدار نگهدارد.

به نظر می رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه های دین اسلام به کار رفته است:

۱. انتظار به معنای عام؛ در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس، ناامیدی، دلسردی و دلمردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگهدارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرا رسیدن گشایش از سوی خداوند در زمره برترین اعمال

برشمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است. (۱)

قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی های کافران برشمرده و از زبان حضرت یعقوب علیه السلام چنین نقل می کند:

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (۲)

پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می شوند.

شاید بتوان گفت بسیاری از روایاتی که در آن ها به فضیلت «انتظار فرج» به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته اند، که از آن جمله می توان به این روایات اشاره کرد:

۱-۱. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ رَضِيَ عَنِ اللّٰهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ وَ اِنْتَظَرَ الْفَرَجَ عِبَادَةً. (۳)

هر کس نسبت به رزق کمی که خداوند به او داده خشنود باشد، خداوند نیز نسبت به عمل کمی که او انجام می دهد خشنود می گردد و انتظار گشایش عبادت است.

۱-۲. همچنین از آن حضرت روایت شده است که:

۱- ر.ک: سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۹۱ - ۶۸.

۲- سوره یوسف ۱۲ آیه ۸۷.

۳- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۱)

برترین عبادت ها انتظار فرج است.

۱-۳. و باز می فرمایند:

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۲)

برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

۱-۴. امام علی علیه السلام در بخشی از روایت مفصلی که در آن به چهارصد مورد از اموری که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، اشاره می کنند؛ پس از توصیه به طلب رزق در بین طلوع فجر و طلوع شمس می فرمایند:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۳)

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. بدرستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند، صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.

۱-۵. آن حضرت در بخش دیگری از روایت یادشده پس از اشاره به این مطلب که ناشکیبایی در هنگام بروز ناگواری ها موجب از بین رفتن اجر انسان می شود، می فرماید:

... أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۴)

برترین کارهای انسان، انتظار گشایش از سوی خداست.

۱-۶. امام صادق علیه السلام نیز در ضمن سفارش های خود به ابوحنیفه می فرمایند:

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۲.

۲- ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرّانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۷.

۳- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۴- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۹.

... وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ. (۱)

برترین کارها انتظار گشایش از خداست.

۲. انتظار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می گردد.

در توضیح این مطلب باید گفت: تعالیم ادیان الهی و به ویژه دین مبین اسلام، دقیقاً بر گرایش های درونی انسان ها تکیه دارد و اهداف و برنامه های آن ها براساس همین گرایش های درونی و ویژگی های فطری سامان یافته است و در این میان نقش دین تنها جهت دهی، توسعه و تعمیق این گرایش هاست.

در موضوع مورد بحث نیز دین مبین اسلام با توجه به اینکه امید به آینده و انتظار یک گرایش فطری و جوهره زندگی انسان هاست تلاش نموده که این گرایش را از یک سو توسعه و از دیگر سو تعمیق بخشد.

به این بیان که دین اسلام به همه انسان ها می گوید: اولاً، شما فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیانتان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما بلکه در همه جهان گسترده شود.

ثانیاً، انتظار شما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد. شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.

در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می گیرد که اگر بیاید نهایت

خوبی ها برای همه انسان ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن.

به هنگام بررسی فضیلت انتظار به برخی از روایت هایی که انتظار به معنای خاص را مورد توجه قرار داده اند اشاره می کنیم.

۲ ضرورت انتظار

۲ ضرورت انتظار

در تفکر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیه السلام تصریح شده است، که از جمله می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبه روایت کرده است که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا- أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا- يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ، مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ [رَسُولُهُ]، وَ الْأَعْقَابُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَ الْوَلَايَةُ لَنَا، وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً - وَ التَّسْلِيمَ لَهُمْ، وَ الْوَرَعُ، وَ الْأَعْتِدَادُ، وَ الطَّمَأْنِينَةُ، وَ الْأَعْتِدَادُ لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد [صلی الله علیه و آله] بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام .

۲. ثقه الاسلام الكليني در کتاب الکافی روایت می کند که روزی مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه ای در دست داشت؛ حضرت باقر

۱- محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

علیه السلام به او فرمود:

هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ سَأَلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، هَذَا الَّذِي أُرِيدُ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا، وَالْوَرَعُ، وَالتَّوَضُّعُ وَانْتِظَارُ قَائِمِنَا، فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً، إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا. (۱)

این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد همین را خواسته ام. پس حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول او است، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۳. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می کند که:

روزی بر آقایم محمدبن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم و می خواستم که درباره قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ، إِنَّ الْقَائِمَ مَنَا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ، وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي. (۲)

۱- محمدبن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در [زمان] غیبتش انتظار کشیده شود و در [زمان] ظهورش اطاعت گردد، و او سومین [امام] از فرزندان من است.

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر _ که در این مجال فرصت طرح آن ها نیست _ همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می کنند، امّا حال باید دید که انتظار _ که این همه بر آن تأکید شده و یکی از شرایط اساسی اعتقاد اسلامی شمرده می شود _ چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه جایگاهی برخوردار است.

۳ فضیلت انتظار

اشاره

۳ فضیلت انتظار

در روایات اسلامی آنچه‌ان مقام و منزلتی برای منتظران موعود برشمرده شده که گاه انسان را به تعجب و ا می دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سرّ این فضیلت را روشن می سازد.

در اینجا به پاره ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقیه الله الأعظم بر شمرده شده، اشاره می کنیم:

۱_۳. امام سجاد علیه السلام منتظران را برترین مردم همه روزگاران برمی شمارند:

... إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ أَهْلِ زَمَانٍ (۱).

آن گروه از مردم عصر غیبت امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته و منتظر ظهور او هستند برترین مردم همه روزگاران هستند.

۲_۳. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن

۱- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان _ که بر آن ها درود باد _ فرمود:

الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

۳_۳. در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده است:

طُوبَى لِسَبِيحَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَكَ اللَّهُ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۲)

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیاء خدا هستند، همان ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین شوند.

۳_۴. در روایت دیگری مرحوم المجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُتَنْظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (۳).

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه ای درنگ کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.

چرا این همه فضیلت؟

چرا این همه فضیلت؟

با مشاهده روایات یاد شده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که

۱- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۶.

۲- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۳- محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته ای برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسبی برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم: چنانکه می دانید «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات درمی یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاد علیه السلام نقل شده، آن حضرت ضمن پیش بینی دوران غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که در زمان غیبت، امامت این امام را پذیرا می شوند و در انتظار او به سر می برند، برترین مردم همه زمان ها معرفی می کنند و دلیل این برتری را این می دانند که برای آن ها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می دهند:

ثُمَّ تَمَّتْ الْعَيْبَةُ بَوْلِيَّ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ - لِيَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَالْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِهِ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ - لِيَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالسَّيْفِ.

أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّعَاءِ إِلَى دِينِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - سِرًّا وَجَهْرًا. (۱)

غیبت دوازدهمین ولی خداوند - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشینان رسول خدا - که درود خدا بر او خواندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می کشد.

ای اباخالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم همه زمان ها هستند؛ زیرا خداوند - که گرامی و بلندمرتبه است - چنان خرد، درک و شناختی به آن ها ارزانی داشته که غیبت [و عدم حضور امام] برای آن ها همانند مشاهده [و حضور امام] است.

خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا - که درود خدا و او بر خواندانش باد - جهاد می کنند. آن ها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار هستند.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم، لَیَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریادرس آن ها در گرفتاری ها و ناملایمات است.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان ها: آرزوها و آمال انسان ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن هاست؛ تا آنجا که برخی می گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی». آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان ها و بلندای همت آن ها می کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی ارزش نشان از بی همتی و رشد نیافتگی افراد دارد.

۱- ۱. محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۰؛ محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

آرزوها انسان را به حرکت وامی دارد و به طور طبیعی هر چه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ. (۱)

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

و در جای دیگر می فرماید:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ. (۲)

مرد را آن بهاست که در دیده اش زیباست.

پس از این مقدمه می توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را داراست، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعاً چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

۱- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت آمیز امیر مؤمنان علیه السلام ش ۴۷، ۳۶۹.

۲- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت آمیز امیر مؤمنان علیه السلام ش ۸۱، ص ۳۷۳.

۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع: چنانکه از مطالب بعدی و در بحث از «وظایف منتظران» و «نقش سازنده انتظار» روشن خواهد شد، انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او برشمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود. به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال نائل می شود.

با توجه به نکات بالا به رمز فضائل بی شماری که برای منتظران برشمرده شد واقف می شویم و بدرستی درمی یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

۴ وظایف منتظران

اشاره

۴ وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب ها، از جمله کتاب مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقیه الله، ارواحنا له الفداء، بر شمرده شده است. (۱)

اما، از آنجا که تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند در این محدوده نمی گنجد، به تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:

۴_۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام

۴_۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام

اولین و مهم ترین وظیفه ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر

۱- ر.ک: میرزا محمد تقی الموسوی الاصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. (۱)

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

و در روایت دیگری که مرحوم الكلینی از امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. (۲)

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت است و هر آنکه در حال شناختن امامش بمیرد پیش افتادن و یا تأخیر این امر [دولت آل محمد علیهم السلام] او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم [علیه السلام] با آن حضرت باشد.

امام حسین علیه السلام نیز درباره معرفت امام می فرمایند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ، جَلَّ ذِكْرُهُ، مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَسَاوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي وَ أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (۳)

هان ای مردم! همانا خداوند _ بزرگ باد یاد او _ بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. پس هر گاه او را بشناسند او را بپرستند و هر گاه او را بپرستند، با پرستش او از بندگی هر آنچه جز خداست بی نیاز گردند. مردی سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا،

۱- محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۳۲۱ و ۳۳۳؛ همچنین ر.ک: حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی، منابع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲.

۲- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳- فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، صص ۶۰۵-۶۰۴.

پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند.

آری، فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. اما این معرفت حاصل نمی شود مگر به معرفت امام و حجت عصر علیه السلام؛ چرا که امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

... نَحْنُ الْعَالِمُونَ (القَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَالِدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَبِنَا عُبْدِ اللَّهِ، نَحْنُ الْأَدِلَاءُ عَلَى اللَّهِ وَلَوْلَا مَا عُبِدَ اللَّهُ. (۱)

ما دانایان (برپا دارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه ما خدا شناخته و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.

توجه به مفاد دعاهایی که خواندن آن ها در عصر غیبت مورد تأکید قرار گرفته است، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می سازد؛ چنانکه در یکی از دعاها معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال الدین نقل کرده، می خوانیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ نَفْسِيكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَبِيِّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي... (۲).

بار الها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بار الها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی

۱- محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ح ۳۸. همچنین ر.ک: محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۴۷، ح ۱۴.

۲- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲.

حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌گردم. خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از حق] پس از آنکه هدایتم فرمودی منحرف مگردان...

امام صادق علیه السلام در مورد کمترین حد معرفت امام می‌فرماید:

أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ وَوَارِثُهُ وَ أَنْ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّذُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

کمترین حد معرفت به امام آن است که [بدانی] امام مساوی با پیامبر، لای الله علیه وآله، است مگر در درجه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد... (۱)

مؤلف کتاب ارزشمند مکیال المکارم مراد و مقصود از «معرفت امام» را، که در روایت‌های یادشده بر آن‌ها تأکید شده است، چنین توضیح می‌دهند:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما _ که درودها و سلام‌های خداوند برایشان باد _ تحصیل آن را نسبت به امام زمانمان امر فرموده‌اند، این است که ما آن حضرت را آنچنانکه هست بشناسیم؛ به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه‌کننده مدعیان دروغین باشد، و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: اول، شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نسب، و دوم، شناخت صفات و ویژگی‌های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است. (۲)

البته امر دومی که در کلام یادشده بدان اشاره شده، در عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در واقع این نوع شناخت است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی بحقیقت به فات

۱- السیدهاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴، ح ۳.

۲- میرزا محمد تقی الموسوی الإصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ج ۲، ص ۱۰۷.

و ویژگی های امام عصر علیه السلام و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی شود.

نکته ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شناخت امام زمان علیه السلام از شناخت دیگر امامان معصوم علیهم السلام جدا نیست و اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی واقف شد، صفات و ویژگی های آن ها را شناخت و به مسئولیت خود در برابر آن ها پی برد، قطعاً نسبت به امام عصر علیه السلام نیز به شناختی شایسته می رسد.

بهترین راه برای پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر علیه السلام به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب هایی است که در این زمینه نگاشته شده است که از جمله می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

۱. الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی (ج ۱، کتاب الحجّه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۲. معرفت حجت خدا (شرح دعای اَللّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ)، لطف الله الصافی الکلپایگانی، چاپ اول: قم، حضرت معصومه، ۱۳۷۵.

۳. معرفت امام عصر علیه السلام، سیدمحمد بنی هاشمی، چاپ اول: تهران، نیک معارف، ۱۳۷۵.

۴. ولایت کلیه، سیدحسن میرجهانی طباطبایی، تحقیق و تصحیح سیدمحمد لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.

خواندن زیارت «جامعه کبیره» و تأمل و تدبّر در اوصافی که در این زیارت برای ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده نیز در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه امام در عالم هستی بسیار مؤثر است.

البته باید توجه داشت که شناخت و معرفت حقیقی نسبت به حجت خدا تنها با مطالعه کتاب حاصل نمی شود و در این راه باید از عنایات حضرت حق

نیز مدد جوییم و _ همچنانکه در دعایی که پیش از این بدان اشاره کردیم، ملاحظه شد _ از درگاه الهی نیز توفیق شناخت حجتش را درخواست کنیم، تا بدین وسیله از گمراهی و سرگردانی نجات یابیم. این موضوع را از روایتی که مرحوم الكلینی از «محمد بن حکیم» نقل کرده، می توان استفاده کرد. در این روایت آمده است:

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَعْرِفَةُ مِنْ صُنْعٍ مَنْ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ. (۱)

از ابی عبدالله (امام جعفر صادق) علیه السلام پرسیدم: معرفت ساخته کیست؟ فرمود: از ساخته های خداوند است و برای بندگان نقشی در حصول معرفت نیست.

شاید بتوان گفت که شناخت نشانه ها و علائم ظهور نیز یکی از فروع شناخت امام عصر علیه السلام است؛ زیرا شناخت دقیق نشانه ها و علائم ظهور موجب می گردد که انسان فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد و در دام شیادانی که ادعای «مهدی» بودن دارند نیفتد.

توضیح اینکه برای ظهور منجی آخرالزمان نشانه ها و علائم حتمی و تردیدناپذیری برشمرده شده که با مشاهده آن ها می توان به حقانیت آن منجی و اینکه او واقعا همان امام منتظر؛ یعنی امام مهدی علیه السلام است پی برد.

بنابراین بر همه منتظران لازم است که پس از شناخت کامل امام عصر علیه السلام به مطالعه و شناسایی علائم و نشانه های ظهور نیز پردازند.

برای آشنایی با نشانه های ظهور می توان به کتاب های زیر مراجعه کرد:

۱. نواب الدهور فی علائم الظهور، سیدحسن میرجهانی، دو جلد در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.

۱- محمدبن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲. عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳. روزگار رهایی (یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، ۲ جلد، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق ۱۳۷۶.

۴. نشانه های ظهور او، محمد خادمی شیرازی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸. (۱)

۴_۲. پیراستگی از بدی ها و آراستگی به خوبی ها

۴_۲. پیراستگی از بدی ها و آراستگی به خوبی ها

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنانکه در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ... (۲).

هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است.

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ (لِيَجْتَنِبَ) مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَيِّئَاتِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى

۱- محمد برای آشنایی بیشتر با منابع مطالعاتی موضوع نشانه های ظهور ر.ک: پیشگویی ها و آخرالزمان: مجموعه مقالات، گردآوری واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، مقاله «آخرالزمان شناسی در آثار اسلامی»، ابراهیم شفیعی سروستانی، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۳.

۲- محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

حَوْتِهِ (۱)

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در توقیع (۲) شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید، رضی الله عنه، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

... فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرِهُهُ، وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ. (۳)

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.

۱- احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹؛ محمد باقر المجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۵۳، ۱۷۶.

۲- «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش ها می دهد، دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله آمده است. و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش ها، یا اطلاعیه هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنانکه توقیعاتی از حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهم السلام، نقل شده است. اما معمولاً توقیع به نامه های حضرت حجه بن الحسن امام زمان، عجل الله تعالی فرجه، گفته می شود که توسط چهار تن نایبان خاص ایشان در زمان غیبت صغری به دست شیعیان می رسیده است. ر.ک: رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات.

۳- محمد باقر المجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

باید توجه داشت که ما تنها زمانی می توانیم خود را منتظر امام عدالت گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است:

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكُمْ، وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ، وَ عَفْهِ وَ سَدَادٍ... (۱).

آگاه باش که هر پیرویی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید، بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن.

در اینجا ممکن است پرسیده شود: از کجا می توان فهمید که امام زمان علیه السلام از ما چه می خواهند و چه کاری را می پسندند؟

در پاسخ این پرسش لازم است که دو نکته را یادآور شویم:

امام زمان علیه السلام ادامه دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است: از آنجا که به اعتقاد ما همه امامان معصوم علیهم السلام مفسران کتاب خدا و بیان کنندگان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، رضایت و خشنودی امام زمان علیه السلام در چیزی جز آنچه که در کتاب خدا آمده یا در کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام به آن اشاره شده نیست. به بیان دیگر اگر کسی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به آن ها امر شده عمل کند و از همه محرّمات و گناهانی که در این دو منبع

الهی از آن ها نهی شده، دوری جوید خواهد توانست که رضایت امام عصر علیه السلام را چنان که باید و شاید به دست آورد. بنابراین هیچ لزومی ندارد که ما حتما از زبان امام زمان علیه السلام بشنویم که ایشان از چه رفتار و گفتاری خشنود و از چه

رفتار و گفتاری ناخشنود می شوند بلکه چنانکه پیش از این نیز گفته شد ما می توانیم با مراجعه به دعایی مانند «دعای مکارم الاخلاق» _ که از امام سجاد علیه السلام نقل شده _ نیز به خصال و ویژگی هایی که امام زمان علیه السلام از ما انتظار دارند واقف شویم.

۲. امام زمان علیه السلام به عوامل خرسندی و ناخرسندی خود اشاره کرده اند: در احادیث، زیارت ها و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغرا و پس از آن به صورت توقیع یا به صورت های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است به صراحت تمام آنچه که موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می گردد بیان شده و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل و تدبر در آن ها می توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از کژراهه ها باز شناخت.

گفتنی است که مجموعه سخنان و رهنمودهای امام عصر علیه السلام توسط برخی نویسندگان جمع آوری و در قالب کتاب منتشر شده است که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره کرد:

۱. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲. کلمه الإمام المهدی علیه السلام سیدحسن شیرازی، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ق.

۳. المختار من کلمات الإمام المهدي عليه السلام ۳ ج، محمد الغروي، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ ق.

برای روشن تر شدن موضوع، خوب است که نگاهی داشته باشیم به یکی از این یادگارهای گرانقدر امام عصر علیه السلام؛ یعنی دعای معروفی که با جمله «اللَّهُمَّ ارزُقنا توفيق الطاعة...» شروع می شود و در اوایل مفاتیح الجنان نیز آمده است.

در این دعای کوتاه و مختصر، امام مهدی علیه السلام همه آنچه را که شایسته است ما خود را بدانها آراسته یا از آن ها پیراسته سازیم در قالب درخواست. از خدا بیان کرده و به صورت غیرمستقیم به ما فهمانده اند که به عنوان حجت خدا، چه انتظاری از ما دارند و چگونه شیعه ای را برای خود می پسندند.

با هم قسمت هایی از این دعا را می خوانیم:

اللَّهُمَّ ارزُقنا توفيق الطاعةِ وَ بُعِدَ الْمُعَصِيَةِ وَ صِدَقَ النَّبِيُّ وَ عَزَفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمَلِّئْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ الشُّبُهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اشْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ. (۱)

بار خدایا! توفیق فرمانبرداری، دوری از گناهان، درستی و پاکی نیت و شناخت حرام ها را، روزی ما فرمای. و ما را به راهنمایی و پایداری گرامی دار و زبان ما را در درست گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش و معرفت سرشار کن و درون ما را از حرام و مال شبهه ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستمگری و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت بپوشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بر بند و ...

در ادامه این دعا، امام عصر علیه السلام صفات و ویژگی هایی را که شایسته عالمان،

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام .

دانش پژوهان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگدستان، جنگ جویان، حکمرانان و... است برمی شمارند و از خداوند می خواهند که به هر یک از این گروه ها و اقشار اجتماعی صفات و ویژگی هایی را که شایسته آن هاست عطا فرماید.

بیاید یک بار این دعا را با دید کسی که می خواهد بداند امامش از او چه انتظاری دارد مرور کنید تا ببیند آیا می توانید با استفاده از این دعا بفهمید که امام عصر علیه السلام به طور خاص از شما چه توقع و انتظاری دارند؟!

۴_۳. پیوند با مقام ولایت

۴_۳. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت علیه السلام با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسئولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد.

این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که در این مجال به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر این کلام خدای تعالی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فرا خوانید و مراقب و مواظب باشید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

می فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ [الْمُنْتَظَرُ]. (۲)

۱- سوره آل عمران ۳، آیه ۲۰۰.

۲- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۹۹؛ همچنین ر.ک: السیدهاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.

همچنین امام صادق علیه السلام در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده می فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَ رَابِطُوا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ (۱)

بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آن ها] ملتزم سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم، علیهما السلام، وارد شده است که به جهت

رعایت اختصار از ذکر آن ها خودداری می کنیم. (۲)

این که می بینیم در روایت های متعددی، امامان ما شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آن ها خواسته اند که در آغاز هر روز و حتی بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا دارد.

یکی از مشهورترین دعاهای عهد، دعایی است که مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح الزائر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده و در ابتدای آن آمده است که:

مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ

۱- السید هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

۲- السید هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ. (۱)

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می سازد [تا قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن] هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می سازد.

به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف در اینجا بخشی از آن را نقل می کنیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُخِذْتُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُؤْتَمِّتِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُشْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. (۲)

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او، و شتابندگان در پی انجام مقاصد او و اطاعت کنندگان از دستورات و نواهی او و حمایت کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت جوینان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

دقت در عبارت های بالا می تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام و حجت زمان به ما ارایه دهد؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام زمان خود و اطاعت مخلصانه و تا پای جان از اوامر و نواهی او.

آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و

۱- ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

۲- ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

پیمانی را با امام و مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت و خواری و ظلم و بی عدالتی تن خواهد داد؟

آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی اعتنایی کند و تن به گناه و معصیت دهد؟ مسلماً خیر. بدون هیچ تردیدی اگر در جامعه ای چنین فرهنگی حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. این نکته نیز مسلم است که اگر همه شیعیان با همدلی و همراهی دست بیعت و یاری به سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر نصرت او متفق شوند دیری نخواهد پاید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد و برای همیشه از ظلم ها و ذلت ها رهایی خواهند یافت. چنانکه در توفیق شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد آمده است:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ، عَلَى إِجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا. (۱)

اگر شیعیان ما، که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یكدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما برای آن ها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می گردد.

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می توانند با بهره گیری از دعاها و زیارت های دیگری که مرتبط با امام عصر علیه السلام است، پیوند و ارتباط دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله می توان به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان علیه السلام زیارت آل یاسین، زیارت امام عصر در روز

جمعه، نماز امام زمان و... اشاره کرد. دعا به امام زمان علیه السلام در قنوت و تعقیب نمازهای پنجگانه نیز می تواند در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضرت مؤثر باشد. چشم انتظاران امام عصر علیه السلام همچنین می توانند با حضور در مساجد و مکان های مقدسی که منسوب به امام عصر علیه السلام است همچون مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف، سرداب مقدس سامرا و... پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم تر نمایند.

۴_۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

۴_۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

یکی دیگر از وظایفی، که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است کسب آمادگی های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غائب است. چنانکه در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است:

لَيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ بَيْتِهِ رَجَوْتُ لِأَنَّ يَنْسِي فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ [فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ]. (۱)

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند. هر چند یک تیر باشد؛ خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].

در روایت دیگری مرحوم الكلینی از امام ابوالحسن [موسی کاظم علیه السلام] نقل می کند که:

... مَنْ اِزْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ اَمْرُنَا وَ يَغِيْظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوْبٌ اِلَيْنَا اَدَّرَ اللهُ

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

رِزْقُهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنَا عَلَى حَوَائِجِهِ. (۱)

... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند.

همچنین مرحوم الكلینی در الكافی از «ابوعبدالله جعفری» روایتی را نقل می کند که توجه به مفاد آن بسیار مفید است:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: كَمْ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَكِنَّ رَبَاطَنَا الدَّهْرُ. (۲)

حضرت ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهما السلام، به من فرمودند: منتهای زمان مرابطه (مزداری) (۳) نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: چهل روز فرمودند: ولی

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

۲- محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

۳- «مرباطه» چنانکه فقها در کتاب جهاد گفته اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله ای علیه مسلمانان می رود، به حال آماده باش و در کمین به سر برد. ر. ک: محمد حسن النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۹. این عمل در زمان غیبت امام معصوم علیهم السلام مستحب بوده و فضیلت های بسیاری برای آن بر شمرده شده است، چنانکه در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده آمده است: رِبَاطٌ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ، وَ إِنْ مَاتَ مُرَابِطًا جَزَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أُجْرَى عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ آمِنَ مِنَ الْفُتْنَانِ. یک شبانه روز مرابطه (مزداری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روزه باشد و شب ها به عبادت قیام نماید ثوابش بیشتر است. پس هر گاه در این راه بمیرد عملی که انجام می داده بر او جریان خواهد یافت، و روزیش بر او جاری خواهد شد و از فرشته ای که در قبر مرده ها را امتحان می کند ایمن خواهد ماند. (علاء الدین علی المتقی البرهان، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۱۰۵۰۹) اما در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مرابطه چه اندازه است باید گفت که: حداقل زمان مرابطه سه روز و حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود دیگر بر آن صدق مرابطه نکرده و جهاد شمرده می شود و شخص هم از ثواب جهاد کنندگان برخوردار می شود. ر. ک: النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۴۱-۴۲

مربطه ما مربوطه ای است که همیشه هست....

علامه المجلسی در شرح این فرمایش امام علیه السلام می فرماید:

أَيُّ يَجِبُ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يَرْبُطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى طَاعَةِ إِمَامِ الْحَقِّ، وَ إِنْ تَنَظَّرَ فَرَجِهِ وَ يَتَهَيَّأُوا لِنُصْرَتِهِ. (۱)

بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمدحسن نجفی نیز در کتاب جواهرالکلام در شرح روایت مزبور می فرماید:

وَ هُوَ مَحْمُولٌ عَلَى إِرَادَةِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ كَمَا جَاءَتْ بِهِ النُّصُوصُ لَا الرِّبَاطُ الْمُصْطَلَحَ. (۲)

مربطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مربوطه مصطلح در فقه.

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه المجلسی بر می گردد که فرمود: مربوطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر آن که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین شیعیان باید همواره در حال آماده باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ظالمان جهان به پا

۱- محمدباقر المجلسی، مراه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۵۸۲.

۲- محمدحسن النجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۴۳.

خیزند.

با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آن‌ها برای این موضوع پی‌بریم. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می‌نویسد:

ندبه شیعیان حله برای امام زمان ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد احب الزمان» می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد احب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که:

«بسم الله، ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که بر آیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند...» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...^(۱)

باید توجه داشت که نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولی امر علیه السلام به میان آمده، و برای آن فضیلت بسیار برشمرده شده است، به این معنا نیست که این‌ها موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می‌شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است و مسلماً در این عصر بر شیعیان لازم است

۱- ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲ به نقل از: محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۵۵.

که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیهم السلام آماده سازند. البته در حال حاضر به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع الشرایط بر سرزمین اسلامی ایران این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امام راحل، قدس سره، با وسعت دیدی که داشتند «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد مطرح می کردند و معتقد بودند که ما باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنانکه باید فراهم شود. ایشان در این زمینه می فرمودند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود. (۱)

۴_۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

۴_۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

ما از یک سو می دانیم که در دوران غیبت هیچیک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام به همه آنچه اسلام از ما خواسته است عمل کنیم. و از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم علیهم السلام و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچیک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می دهیم درست باشد عمل کنیم؟ قطعاً هیچیک از این دو راه ما را به مقصود نمی رساند. اما آیا امامان معصوم علیهم السلام فکری برای شیعیان خود در

۱- صحیفه نور مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۷، ص ۲۵۵.

زمان غیبت نکرده اند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که: ائمه علیهم السلام تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع شرایط مراجعه کنیم. چنانکه در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می کند چنین می خوانیم:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ. (۱)

... امّا هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس زننده و اوامر مولای خود را اطاعت کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آن ها.

امام عصر علیه السلام نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ «اسحاق بن یعقوب» می فرماید:

وَ أَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (۲)

... و اما در رویدادهایی [که در آینده] پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان.

چنانکه می دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ق. چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص» واسطه بین امام مهدی علیه السلام و مردم بودند. آن ها پرسش های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می کردند و ایشان نیز پاسخ آن ها را می دادند. اما با پایان

۱- محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

۲- ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام که همان فقهای جامع شرایط بودند مراجعه کنند. از آن زمان به بعد فقها به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین بر همه منتظران امام عصر علیه السلام لازم است که بنا به فرموده امامان خود با پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند.

در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب شده است.

۴_۶. دعا برای تعجیل فرج

۴_۶. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است.

امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده، می فرماید:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. (۱)

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه های دوران غیبت دانسته، می فرماید:

وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَاكِهٖ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ [فِيهَا] لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ. (۲)

۱- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ ابوجعفر محمدبن الحسن الطوسی شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۶.

۲- ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۸۴.

به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آن ها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَوَةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَوَةِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ. (۱)

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن» نمیرد تا قائم [علیه السلام] را دریابد.

در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت. (۲)

بنابراین همه شیعیان باید در طول شبانه روز، در اوقات نماز و در همه ایامی که در آن ها دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. بلکه این دعا را بر همه دعاهای خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا آن ها را از همه فتنه ها و آشوب های زمان غیبت در امان نگهدارد و همه گرفتاری ها و غم و غصه های آن ها را برطرف سازد.

۱- ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۳۲۸.

۲- ابراهیم بن علی الکفعمی، المصباح، ص ۴۲۱.

۴_۷. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان باید نام همه معصومین علیهم السلام را بزرگ بدانند و جز با تعظیم و احترام از آن‌ها یاد نکنند. اما در این میان امام مهدی علیه السلام جایگاه و شأن ویژه‌ای دارند؛ زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حیی و حاضر و ناظر خداوند هستند؛

۲. آن حضرت وارث همه فضایل و شایستگی‌هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛

۳. آن امام احیاکننده مکتب اهل بیت علیهم السلام بلکه احیاکننده دین و دین باوری در سراسر جهان هستند؛

۴. ایشان، در بین امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است» می‌فرماید:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي. (۱)

خیر، اما اگر او را دریابم در همه ایام زندگانی ام خدمتگزارش خواهم بود.

اما بزرگداشت یاد و نام امام مهدی علیه السلام مصادیق مختلفی دارد که ما در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۴_۷_۱. برپاخاستن به هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت: بر همه ارادتمندان حضرت مهدی علیه السلام لازم است که به هنگام شنیدن نام‌ها و القاب آن حضرت، بویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.

روایت شده است که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام نام مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام برده شد، امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاسته قیام فرمود. (۲)

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۵، ح ۴۶.

۲- میرزا حسین نوری، نجم الثاقب، ص ۵۲۳.

همچنین نقل شده است: زمانی که «دعبل خزاعی» قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام می خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت علیه السلام از جای برمی خیزد، دست خود را به نشانه تواضع بر سر می گذارد و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می کند. (۱)

برخاستن به هنگام شنیدن نام امام مهدی علیه السلام می تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری و نصرت آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود آن حضرت باشد.

۲_۷_۴. نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت: شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد، فرج و... پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

۳_۷_۴. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن حضرت: منتظران امام مهدی علیه السلام باید که در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند با یکی از زیارت های وارد شده و یا دعای عهد به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یاد و نام آن حضرت از دل هایشان زایل نگردد.

با توجه به آنچه گفته شد اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم می توانیم بگوییم که انتظار در مکتب تشیع حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از بدی ها و آراستن آن به خوبی ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش همه همت خود را صرف

۱- لطف الله الصافی الکلبایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ص ۵۰۶ و ۵۰۸.

زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود تلاش می کند.

۵ نقش سازنده انتظار

اشاره

۵ نقش سازنده انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده باش همیشگی شیعیان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

با توجه به این نگرش، انتظار نقشی سازنده در فرد و جامعه داشته و در ورت شناخت دقیق و درست آن می تواند مبنای نظری مستحکمی برای تحول مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد.

برای روشن ترشدن نقش سازنده انتظار در فرد و جامعه، در اینجا از دو زاویه به تحلیل این موضوع می پردازیم: ۱. از زاویه مفهوم انتظار؛ ۲. از زاویه متعلق انتظار.

۱_۵. از زاویه مفهوم انتظار

۱_۵. از زاویه مفهوم انتظار

برای درک درست نقش سازنده انتظار و امید به آینده در فرد و جامعه لازم است که ارکان و پایه های اساسی آن را بررسی کنیم.

هر کس با مراجعه به خود و بررسی مصادیق مختلف انتظار درمی یابد که این مفهوم سه پایه اساسی دارد:

۱. ناخوشنودی از وضع موجود یا قانع نبودن به آن؛

۲. امید و باور به آینده مطلوب؛

۳. تلاش در جهت تحقق آینده مطلوب.

بدون تردید، انتظار، چه در معنای عام و چه در معنای خاص آن، زمانی فعلیت می یابد که سه رکن یاد شده محقق شود. کسی

ناخوشایندی نسبت به وضع موجود خود و شرایطی که در آن به سر می برد ندارد، یا آینده روشنی پیش روی خود نمی بیند و از باور درستی نسبت به امکان تغییر شرایط موجود برخوردار نیست، یا هیچ تلاشی در راه تحقق آینده ای که آن را مطلوب می داند و رسیدن به هدفی که چشم انتظار رسیدن آن است، نمی کند، هرگز نمی تواند در زمره منتظران باشد.

حال اگر بخواهیم با توجه به سه رکن اساسی انتظار، به تحلیل مفهومی انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام بپردازیم و مشخص کنیم که چه زمانی می توان فردی را واقعا منتظر ظهور دانست، باید به سه نکته اساسی اشاره کنیم:

۱. آگاهی نسبت به شرایط موجود و معرفت نسبت به شرایط عصر موعود؛

۲. باور به تحقق وعده الهی در مورد آینده جهان و حاکمیت نهایی دین خدا بر سراسر زمین؛

۳. حرکت و تلاش در راه زمینه سازی و یا تحقق جامعه موعود.

نخستین شرط انتظار این است که انسان به آن حد از آگاهی و شناخت برسد که بفهمد وضع موجود جهان و مناسبات حاکم بر آن به هیچ وجه خشنود کننده نیست و شرایطی که در آن زندگی می کند تناسبی با عظمت وجودی انسان و شأن او ندارد. این شناخت تنها در صورتی حاصل می شود که آدمی ابتدا شرایط موجود جامعه خود و شرایط جامعه موعود را به درستی بشناسد و آنگاه به مقایسه آن ها پرداخته و به داوری بنشیند که واقعا کدامیک از این شرایط، شایسته مقام انسان به عنوان اشرف مخلوقات است.

شرط دوم باور به سعادت مند شدن جهان و رستگاری بشر در پایان تاریخ است. باور به این حقیقت که جهان بالاخره طعم خوش حقیقت، عدالت و معنویت را خواهد چشید و ریشه هر چه دروغ، ستم، فساد و تباهی است از زمین برکنده خواهد شد.

بدون تردید تحقق شرایط یاد شده مستلزم تلاش فراگیر فردی و اجتماعی در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. تلاشی که اگر به واقع محقق شود، فرد و جامعه مصداق روایاتی خواهند شد که در آن ها منتظران ظهور را با یاوران امام مهدی علیه السلام و حاضران در صحنه های نبرد عصر ظهور مقایسه کرده و اجر و ثواب و شأن و مرتبه آن ها را یکسان دانسته اند.

کلام خود را با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام به پایان می بریم؛ روایتی که با تأمل در آن می توان همه بایسته های انتظار فرج را دریافت:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا، هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. (۱)

برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می سازد. و آنگاه [امام] فرمود: هر کس دوست می دارد از یاران حضرت قائم، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم، به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این پاداش] ای گروه مشمول رحمت خداوند!

۲_۵. از زاویه متعلق انتظار

۲_۵. از زاویه متعلق انتظار

آنچه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را به درستی باز می یابد که بدانیم در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می سازد و انسان های در بند را رهایی

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۰، ج ۱۶؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

می بخشد مطرح نیست؛ بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا»^(۱) بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

به اعتقاد شیعه حجّت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان ها می توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجّت است خود را مکلف می کند که تا همه مناسبات فردی و جمعی اش انعکاس انتظارش باشد؛ زیرا در غیر این ورت انتظار مفهوم خود را از دست می دهد و به لقلقه زبان تبدیل می شود. منتظر نمی داند حجت خدا کدامین روز می آید؛ اما می داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگی را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را بصراحت می توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

۱- «حجّت» در لغت به معنای دلیل، برهان و راهنماست. به عبارت دیگر «آنچه را که به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجت گویند. (ر.ک: احمد بن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳؛ سعید الجوزی الشرتونی اللبانی، أقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ خلیل جُر، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ج ۱، ص ۸۰۸؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۷۹). راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: «راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به آن می توان به درستی یکی از دو نقیض پی برد» (ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الإصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص ۱۰۷).

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ. (۱)

روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یادشده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در آن ها «روزی که برخی نشانه های خدا آشکار شود» به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است. (۲)

از جمله در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

الآيَاتُ هُمُ الْأَيِّمَةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۳)

مراد از نشانه ها امامان هستند و آن نشانه ای که انتظار کشیده می شود، قائم علیه السلام است. در آن زمان ایمان کسی که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، ایمان نیاورده برای او سودی نخواهد داشت، اگرچه به پدران آن حضرت که پیش از او بودند، ایمان آورده باشد.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری آیه یادشده را چنین تفسیر می کنند:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَاصِيرِ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ

۱- سوره انعام ۶، آیه ۱۵۸.

۲- ر.ک: السید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۱ - ۱۲۳؛ مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۰۰ - ۱۰۹.

۳- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۸.

لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (۱)

[مراد از آن روز] زمان خروج قائم ماست که انتظارش کشیده می شود، آنگاه فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او چشم به راه ظهور اویند و در زمان ظهورش او را پیروی می کنند. آن ها دوستان خدا هستند که نه بیمناک می شوند و نه اندوهگین می گردند.

در زیارت «آل یاسین» نیز که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نقل شده، با اشاره به آیه مذکور، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام آمده است:

... وَ أَنْ رَجَعْتُمْ حَقُّ لَارِيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اَمْنًا مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِيْمَانِهَا خِيْرًا. (۲)

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

با توجه به این نکته که «رجعت» از رویدادهای مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام است بروشنی می توان نتیجه گرفت که آیه یادشده نیز در زمان ظهور تحقق می یابد.

نکته ای که از آیه و روایات یادشده استفاده می شود این است که هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجت خداوند چنان زندگی کند و خود و جامعه اش را چنان بسازد که بتواند به هنگام ظهور در پیشگاه آن حضرت پاسخگو باشد؛ چراکه در آن روز دیگر توبه و پشیمانی سودی ندارد.

در روایتی که پیش از این از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن

۱- ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۲- شیخ عباس، قمی، مفاتیح الجنان.

حضرت همه شیعیان را دعوت می کنند که در زمان غیبت آنچه را که موجب دوستی و محبت ایشان می شود، پیشه خود سازند و از هر آنچه که موجب خشم و ناخشنودی ایشان می گردد، دوری گزینند؛ زیرا امر فرج به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ایشان نجات نمی بخشد.

با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که انتظار «حجت» انتظاری است زنده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت» تنها به زمان «آینده» مربوط نمی شود بلکه زمان «حال» را هم در بر می گیرد و می تواند منشأ تحولی اساسی در زندگی منتظر باشد.

فصل دوم: بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

اشاره

فصل دوم: بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

مقدمه

در چند سال گذشته شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان همه اقوام، ملل و مذاهب رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انفاس قدسی حضرت بقیه الله الأعظم _ ارواحنا له الفداء _ توجه روزافزونی نسبت به موضوع مهدویت و انتظار پیدا کرده و عاشقان مهدی علیه السلام گوشه، گوشه این سرزمین را تبدیل به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز سفر کرده نموده اند.

امروزه در کشور ما کم تر مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی دیده می شود که در آن محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی و یا تحقیق و پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. اما حساسیت ها و ظرافت های باور مهدوی، از یک سو، و آسیب هایی که ممکن است در این میان از سوی دشمنان دانا یا دوستان نادان متوجه این باور شود، از سوی دیگر، ضرورت توجه به رسالت ها و وظایف مبلغان و مروّجان باور مهدوی را دو چندان ساخته است.

با توجه به آنچه گفته شد در این فصل تلاش شده که ضمن تبیین مهم ترین

بایدها و نبایدهای ترویج فرهنگ انتظار و ارائه راهکارهایی برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این گونه فعالیت ها، برخی از آسیب ها و آفت هایی که فعالیت های تبلیغی و ترویجی در حوزه مباحث مهدوی را تهدید می کنند، نیز بررسی شود.

با امید به این که مورد توجه شما عزیزان واقع شود.

۱ ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

۱ ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

در فرهنگ اسلامی کسی که نقش دعوت کننده (داعی) مردم را به عهده می گیرد، رسالت و مسئولیت سنگینی دارد و لازم است خود بیش از هر کس دیگر به آنچه مردم را به آن فرا می خواند پای بند باشد؛^(۱) زیرا سخن آنگاه بر دل می نشیند که از دل برآمده باشد و تنها سخنی از دل برمی آید که از مرحله ادای زبانی فراتر رفته و به عمق جان راه یافته باشد. روشن است که انسان تا چیزی را با همه وجود نپذیرد و در عمل بدان پای بند نباشد به عمق جاننش راه نمی یابد.

با توجه به آنچه گفته شد کسی که می خواهد جامعه پیرامون خود را به سوی امام زمان علیه السلام فراخواند و آن ها را دعوت به توجه و انس و التفات بیش تر نسبت به آن حضرت کند، قطعاً باید خود بیش و پیش از دیگران با امام زمان علیه السلام رابطه معنوی برقرار کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود یاد و نام آن حضرت را همواره در نظر داشته باشد.

۱- با توجه به همین موضوع است که امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «...إِنَّ أَشَدَّ أَهْلَ النَّارِ نِدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بَتْرَكِهِ عِلْمَهُ وَ اتِّبَاعَهُ الْهَوَى وَ طَوْلَ الْأَمَلِ»؛ از میان اهل آتش کسی که پشیمانی و حسرت او از همه بیشتر است مردی است که بنده ای را به سوی خدا دعوت کرده و او هم دعوتش را پذیرفته و اطاعت خدا را پیش گرفته و خدا هم او را داخل بهشت کرده است اما آن دعوت کننده را به دلیل ترک علمش و پیروی از هوی و درازی آرزو داخل جهنم نموده است. محمدبن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱.

افزون بر این، انس و ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام از جهت دیگری نیز برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است و آن به دست آوردن پشتوانه لازم در فعالیت تبلیغی و ترویجی است. توضیح آنکه: به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیط‌ها، فعالیت تبلیغی و ترویجی چندان ساده نیست و قطعاً مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت؛ از این رو اگر مروج و مبلغ این فرهنگ از ظرفیت و تحمل بالایی برخوردار نباشد چه بسا که پس از مدتی دچار یأس و دلسردی شود. در این شرایط تنها چیزی که می‌تواند ظرفیت و تحمل لازم را به فعالان در این حوزه ببخشد و پشتوانه لازم را برای آن‌ها فراهم کند ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است. در صورت وجود این ارتباط معنوی، ظرفیت و تحمل محدود ما در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام وسعت و گسترش می‌یابد و توان تحمل سختی‌ها و مشکلات این راه را پیدا می‌کنیم.

در اینجا ممکن است پرسیده شود: چگونه می‌توان با امام مهدی علیه السلام رابطه معنوی برقرار کرد؟ در پاسخ باید گفت: این کار بسیار ساده است. البته به شرط آن که از همان ابتدا به دنبال دست یافتن به جایگاه‌های بسیار بالایی چون تشریف خدمت آن حضرت نباشید، بلکه قدم به قدم و به تدریج این رابطه معنوی را گسترش داده و تعمیق بخشید.

نخستین قدم‌ها برای ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام می‌تواند با انجام یک یا چند مورد از کارهای زیر آغاز شود: خواندن دعای عهد در هر صبحگاه؛ عرض سلام خدمت آن حضرت در آغاز و پایان هر روز؛ خواندن زیارت آل یاسین یا دعای ندبه در هر روز جمعه؛ دعا برای سلامتی آن حضرت در مواقعی چون قنوت نماز و تعقیب نمازهای روزانه؛ خواندن نماز امام زمان؛ توسل به آن حضرت در مواقع سختی و مشکلات و

همانطور که گفته شد لازم نیست همه این کارها را به یکباره و همزمان آغاز کنید، یکی دو مورد از کارهای یادشده را انتخاب و سعی کنید به طور مرتب و مستمر آن را انجام دهید و به تدریج کارهای دیگر را نیز به برنامه خود اضافه کنید.

گفتنی است که کتاب‌ها و آثار مختلفی در زمینه وظایف و تکالیف منتظران و راه‌های افزایش انس و پیوند معنوی با امام عصر علیه السلام تألیف شده که در اینجا به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبه الإمام، علیه الصلوه والسلام)، دبیرالدین صدرالإسلام علی اکبر همدانی (در گذشته به سال ۱۳۲۶ق.) چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

در این کتاب پس از مقدمه مؤلف، تکالیف منتظران در زمان غیبت، در شصت عنوان مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام (۱) سیدمحمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۴۸-۱۳۰۱ق.)، ج۲، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ق.

گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۸۰ با اصلاحاتی از سوی انتشارات برگ شقایق به چاپ رسیده است.

مرحوم سید محمدتقی اصفهانی در مقدمه کتاب مکیال المکارم یادآور می‌شود که این کتاب را براساس سفارشی که امام مهدی علیه السلام در خواب به او نموده بود تألیف کرده است.

کتاب یادشده که یکی از منابع ارزشمند در زمینه شناخت ادعیه و زیارت‌های

مرتبط با امام عصر علیه السلام و وظایف شیعیان در برابر آن حضرت است در پنج بخش، به شرح زیر سامان یافته است:

۲_۱. شناخت امام زمان علیه السلام واجب است؛

۲_۲. اثبات امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام؛

۲_۳. در بیان قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت نسبت به ما؛

۲_۴. درجات و خصوصیات امام زمان علیه السلام که موجب دعا برای آن جناب می باشد؛

۲_۵. بیان نتایج خوب از دعا برای فرج؛

۲_۶. اوقات و حالات تأکید شده برای دعا؛

۲_۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام؛

۲_۸. تکالیف عصر غیبت.

همچنین شما می توانید با بهره برداری از کتاب های زیر، بیش از پیش با دعاها، زیارت ها، نمازها و صلوات و توسلات مرتبط با امام عصر علیه السلام آشنا شوید:

۱. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یا... سید مرتضی مجتهدی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۳. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت احب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

این نخستین قدم در راه ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است و قطعاً با مواظبت بر انجام کارهایی که از آن ها یاد شد، رفته رفته روح انتظار در شما زنده تر شده، پیوند معنوی شما با امام مهدی علیه السلام مستحکم تر می شود و با آن

حضرت انس و الفتی بیشتر پیدا می کنید. اما پس از این مرحله باید تلاش نمایید که حضور امام عصر علیه السلام را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس کنید. احساس حضور امام به این است که شما آن حضرت را شاهد و ناظر بر رفتار، گفتار و پندار خود بدانید و هر آنچه را که خشنودی امام زمان علیه السلام در آن است انجام دهید و از هر آنچه که موجب ناخشنودی آن امام می شود دوری گزینید. این حداقل وظیفه ای است که ما در برابر حجت خدا داریم و در روایتی که پیش از این بیان شد دیدیم که آن حضرت نیز به صراحت انجام این وظیفه را به عهده همه ما گذاشته اند. (۱)

۲ شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

اشاره

۲ شناخت دیدگاه های موجود در زمینه باور مهدوی

براساس روایات قطعی و تردیدناپذیری که پیش از این از آن ها یاد شد بر هر مسلمانی واجب است که امام زمان خود را بشناسد. (۲) با توجه به این موضوع هر یک از ما وظیفه داریم که در حد توان، امام و حجت عصر خود؛ یعنی امام مهدی علیه السلام را _ که دوازدهمین امام از سلسله امامان شیعه و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است _ بشناسیم. قطعاً به همان میزان که ما امام زمان علیه السلام را بشناسیم به همان میزان هم از تیرگی، تباهی و گمراهی عصر جاهلی دور و به روشنایی، سعادت و رستگاری نزدیک می شویم.

نکته ای که در اینجا باید بدان توجه داشت این است که به دلیل گستردگی و ژرفای شخصیت امام مهدی علیه السلام و تأثیرات گوناگونی که این امام بر ابعاد مختلف حیات بشر دارند، در طول تاریخ دیدگاه های مختلفی در زمینه شناخت ایشان و

۱- ر. ک: همین کتاب، ص ۳۲.

۲- ر. ک: همین کتاب، ص ۲۸ _ ۲۶.

همچنین شناخت باور مهدوی و فرهنگ انتظار به وجود آمده که آشنایی با آن ها برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است. مهم ترین دیدگاه هایی که در اینجا می توان به آن ها اشاره کرد عبارتند از:

۱. دیدگاه کلامی (اعتقادی) _ تاریخی؛

۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی.

پیش از آن که به بررسی هر یک از دیدگاه ها پردازیم، لازم است یادآوری کنیم که این دو دیدگاه، مکمل یکدیگرند و بدون شک نمی توان بدون شناخت درست کلامی _ تاریخی از امام مهدی علیه السلام به شناخت فرهنگی _ اجتماعی از آن حضرت دست یافت.

۱_۲. دیدگاه کلامی _ تاریخی

۱_۲. دیدگاه کلامی _ تاریخی

در این دیدگاه به طور عمده دو بعد از ابعاد شخصیت و زندگانی امام مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می گیرد: نخست این که آن حضرت، حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت های الهی و دوازدهمین امام معصوم از تبار امامان معصوم شیعه علیهم السلام است که در حال حاضر در غیبت به سر می برند؛ دوم این که ایشان شخصیتی است تاریخی که در مقطع زمانی معینی از پدر و مادر مشخصی به دنیا آمده، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته، با انسان های مختلفی در ارتباط بوده و منشأ رویدادها و تحولات مختلفی در عصر غیبت صغرا بوده اند.

براین اساس در بیشتر کتاب هایی که با دیدگاه کلامی _ تاریخی به بررسی شخصیت و ابعاد وجودی امام مهدی علیه السلام پرداخته اند با سرفصل های مشابهی روبرو می شویم که برخی از مهم ترین آن ها به قرار زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در هر عصر؛

۲. اثبات ولادت؛

۳. دلایل امامت؛

۴. ویژگی های شخصی؛

۵. فلسفه غیبت؛

۶. نواب خاص؛

۷. راز طول عمر؛

۸. معجزات؛

۹. توقیعات (پیام ها)؛

۱۰. نشانه های ظهور آن حضرت و... .

قطعا پرداختن به همه کتاب هایی که از قرن ها پیش تاکنون با دیدگاه یادشده به رشته تحریر درآمده اند، در گنجایش این مقاله نیست، پس به ناچار تنها به ذکر عناوین، نویسندگان و سرفصل های برخی از مهم ترین این کتاب ها _ که در واقع مصادر اصلی باور مهدوی شیعی به شمار می آیند _ به ترتیب تاریخ بسنده می کنیم.

شایان ذکر است که برخی از این کتاب ها در زمره مجموعه کتاب های حدیثی یا تاریخی شیعه اند که بخشی از آن ها به بررسی ابعاد اعتقادی و تاریخی باور مهدوی اختصاص یافته است:

۱. الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی (در گذشته به سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق)، ۸ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

همانطور که می دانید کتاب الکافی جزء کتاب های چهارگانه (کتب اربعه) روایی شیعه است. این مجموعه ۸ جلدی در مجموع بین ۱۶ تا ۱۸ هزار روایت را در خود جمع کرده و شامل سه بخش کلی اصول (جلد ۱ و ۲)، فروع (جلد ۳-۷) و روضه (جلد ۸) است. «اصول کافی» در بردارنده روایات اعتقادی، «فروع کافی» در بردارنده روایات فقهی و عبادی و «روضه کافی» شامل روایات

اخلاقی و موضوعات متفرق دیگر است.

شایان ذکر است که جلد اول و دوم کتاب الکافی که مباحث اعتقادی را دربردارد، با عنوان اصول کافی در چهارجلد ترجمه شده و در دسترس همه علاقه مندان به معارف شیعی قرار گرفته است. (۱)

بخش عمده ای از جلد اول (متن عربی) این کتاب (صص ۱۶۸ - ۵۵۴) با عنوان «کتاب الحجّه» به مباحث مختلف مرتبط با موضوع امامت، اعم از مباحث نظری و تاریخی اختصاص یافته است. برخی از موضوعاتی که در ابواب مختلف این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱-۱. وجود حجت خدا در عالم هستی؛

۱-۲. ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام؛

۱-۳. دلایل امامت هر یک از امامان شیعه از جمله امام مهدی علیه السلام؛

۱-۴. اسامی کسانی که در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام را دیده اند؛

۱-۵. ویژگی های عصر غیبت؛

۱-۶. نهی از تعیین وقت برای ظهور و...

در ادامه همین کتاب با عنوان «ابواب التاریخ» شاهد تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام هستیم.

گفتنی است که در جلد هشتم الکافی نیز به صورت متفرق، احادیثی در زمینه برخی ویژگی های آخرالزمان، نشانه های ظهور و... آمده است. (۲)

عزیزانی که علاقه مندند مباحث یادشده را در متن ترجمه شده جست و جو کنند می توانند به جلد اول این کتاب (صص ۲۳۶-۳۹۵) و جلد دوم آن مراجعه

۱- مترجم این کتاب سید جواد مصطفوی و ناشر آن دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام است.

۲- ر.ک: محمدبن یعقوب الکلینی، الکافی، ج ۸، صص ۳۶، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۶، ۳۱۰ و ۳۳۱.

کنند.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق (در گذشته به سال ۳۸۱ ق)، ج ۲، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

چنانکه مرحوم شیخ صدوق در مقدمه این کتاب آورده است، امام مهدی علیه السلام در رؤیایی صادقانه دستور تألیف کتاب یاد شده را به ایشان داده اند.

کتاب کمال الدین و تمام النعمه که یکی از مصادر منحصر به فرد موضوع مهدویت به شمار می آید، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۸ باب است. در مقدمه این کتاب به پاسخ برخی شبهات در مورد امام مهدی علیه السلام پرداخته شده و در ابواب کتاب موضوعات متنوعی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از موضوعاتی که در این ابواب بررسی شده به شرح زیر است:

۲_۱. احوال کسانی که عمرهای طولانی داشته اند؛

۲_۲. دلایل نیاز مردم به امام؛

۲_۳. روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیهم السلام در مورد غیبت امام دوازدهم وارد شده است؛

۲_۴. میلاد امام مهدی علیه السلام؛

۲_۵. کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۲_۶. توقیعاتی که از امام مهدی علیه السلام رسیده است و ...

۳. کتاب الغیبه، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم بن جعفر، معروف به النعمانی (از علمای قرن چهارم هجری قمری)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

کتاب یاد شده مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ باب است. نویسنده در مقدمه

نسبتاً طولانی این کتاب، به بیان دلایل و انگیزه تألیف کتاب پرداخته و در ابواب مختلف آن موضوعات گوناگونی را بررسی کرده که مهم ترین آن ها به شرح زیر است:

۱_۳. ضرورت شناخت امام علیه السلام؛

۲_۳. غیبت امام زمان علیه السلام؛

۳_۳. ویژگی ها و خصائل حضرت صاحب علیه السلام؛

۴_۳. علائم پیش از ظهور؛

۵_۳. وضع شیعه هنگام قیام قائم علیه السلام و... .

۴. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمدبن محمدبن نعمان، معروف به شیخ مفید (در گذشته به سال ۴۱۳ق)، ۲ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیة، بی تا.

این کتاب مجموعه کاملی از تاریخ زندگانی و شرح احوال و اوصاف امامان شیعه است که در یک مقدمه و ۴۰ باب سامان یافته است. باب ۳۵ تا ۴۰ این کتاب به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و در آن موضوعات مختلف مرتبط با آن امام بررسی شده است که از آن جمله می توان به این موضوعات اشاره کرد:

۱_۴. تاریخ ولادت؛

۲_۴. ادله امامت؛

۳_۴. معجزات؛

۴_۴. نشانه های ظهور و... .

شایان ذکر است که شیخ مفید رحمه الله رساله های مستقلی نیز در باب غیبت امام عصر و پاسخ به سؤالات و شبهات مطرح در این زمینه دارند که از آن جمله می توان به رساله فی الغیبه (۱) (چهار رساله مستقل) و الفصول العشره فی الغیبه (۲).

۱- ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۷.

۲- ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۳.

اشاره کرد.

۵. کتاب الغیبه، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، معروف به شیخ طوسی (در گذشته به سال ۴۶۰ ق.)، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.

این کتاب که در مجموعه معارف مهدوی شیعه جایگاه خاص و قابل توجهی دارد، از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان بوده و بسیاری از کسانی که در سده های اخیر به تألیف کتاب در این زمینه پرداخته اند، از آن بهره برداری کرده اند.

چنانکه شیخ طوسی رحمه الله در مقدمه کتاب آورده است، ایشان این کتاب را برای بررسی مباحث مختلف مرتبط با غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام دلیل آغاز غیبت و علت استمرار آن و همچنین پاسخ به شبهات و سؤالاتی که در این زمینه ها از سوی مخالفان مطرح می شده، به رشته تحریر در آورده اند.

برخی از مهم ترین موضوعاتی که در این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۵. امامت عصر علیه السلام در زمان غیبت و دلایل موجود در این زمینه؛

۲_۵. اثبات تولد آن حضرت؛

۳_۵. برخی از توقیعاتی که از سوی آن حضرت صادر شده؛

۴_۵. معرفی برخی از کسانی که در دوران غیبت صغرا توفیق و کالت و نمایندگی از سوی امام مهدی علیه السلام را داشته اند؛

۵_۵. بیان برخی نشانه های ظهور و

کتاب یاد شده توسط «شیخ محمد رازی» ترجمه و با نام تحفه قدسی در

علائم ظهور مهدی موعود علیه السلام در سال ۱۳۵۰ از سوی انتشارات کتابفروشی اسلامیه منتشر شده است.

۶. إعلام الوری بأعلام الهدی (۱)، أبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی معروف به امین الاسلام طبرسی (۴۶۸_۵۴۸ ق.)، ج ۲، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.

این کتاب دربردارنده تاریخ زندگانی، دلایل و معجزات و فضائل و مناقب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام است. در بخش پایانی کتاب یادشده مباحث مختلف مرتبط با امام دوازدهم شیعیان در ضمن پنج باب به شرح زیر بررسی شده است:

۱_۶. نام، کنیه، لقب، محل تولد، نام مادر امام دوازدهم و کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۲_۶. روایاتی که در زمینه امامت امام دوازدهم از پدران آن حضرت رسیده است؛

۳_۶. چگونگی استدلال به روایات برای اثبات امامت آن حضرت، دلایل و نشانه هایی که در دوران غیبت صغرا از آن حضرت آشکار شده و دلالت بر امامت ایشان می کنند، برخی از توقیعات (نامه ها و پیام هایی) که از آن حضرت رسیده است، کسانی که آن حضرت را دیده اند و یا وکیل ایشان بوده اند؛

۴_۶. نشانه های سال و روز قیام قائم علیه السلام سیره آن حضرت در زمان ظهور و خصال ظاهری آن حضرت؛

۵_۶. پاسخ به شبهات و پرسش هایی که مخالفان مطرح می کنند.

۷. كشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح

۱- ترجمه نام این کتاب این است: «شناساندن پیشوایان نشانه های هدایت به مردمان».

الإربلی (در گذشته به سال ۶۹۳ق.)، ج ۳، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.

کتاب یادشده که دوره کامل تاریخ زندگی و فضائل و مناقب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان است از دیرباز مورد توجه اهل تحقیق بوده و به دلیل نیکویی روش، روشنی عبارات، امانت در نقل و استناد به مصادر مورد قبول شیعه و اهل سنت ستایش شده است. (۱)

بخش عمده ای از جلد سوم این کتاب (از ص ۲۳۳ تا ۲۶۳) به شرح حال امام دوازدهم اختصاص یافته و در آن این موضوعات بررسی شده است:

۱_۷. تاریخ زندگی؛

۲_۷. دلایل امامت؛

۳_۷. نشانه های ظهور؛

۴_۷. ویژگی های ظاهری؛

۵_۷. معجزات؛

۶_۷. توقیعات و

۸. إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، محمد بن الحسن الحُرّالعالمی (در گذشته به سال ۱۱۰۴ق.)، ج ۷، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

این کتاب براساس گفته مؤلف آن در بردارنده بیش از بیست هزار حدیث و دلیل نقلی در زمینه اثبات نبوت خاصه حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و امامت ائمه اطهار علیهم السلام است.

از مهم ترین ویژگی های کتاب یادشده این است که در بررسی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایاتی که در کتاب های معروف و معتبر

شیعه و اهل سنت درباره این بزرگواران وارد شده به تفکیک، نقل و بررسی شده است.

بخش پایانی کتاب اثبات الهداه که در بردارنده قسمتی از جلد ششم (ص ۲۲۹-۲۵۹) و تمامی جلد هفتم این کتاب است، به امام دوازدهم حضرت احب الزمان علیه السلام اختصاص یافته و در آن موضوعات زیر مطرح شده است:

۱_۸. نصوصی که از طریق شیعه و اهل سنت بر امامت صاحب الزمان علیه السلام وارد شده است؛

۲_۸. معجزات صاحب الزمان علیه السلام؛

۳_۸. صفات امام مهدی علیه السلام و نشانه های خروج آن حضرت؛

۴_۸. رد اندیشه های غلات و

۹. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسی معروف به علامه المجلسی (۱۰۲۷_۱۱۱۱ق). ۱۱۰ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

کتاب یادشده یکی از بزرگ ترین مجموعه های روایی شیعه به شمار می آید و در بردارنده روایات بسیاری در زمینه های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی، تاریخی و... است. سه جلد از این کتاب؛ یعنی جلد های ۵۱ تا ۵۳ با عنوان «تاریخ الحجج» به بررسی ابعاد مختلف زندگی امام عصر علیه السلام از تولد تا غیبت و از غیبت تا ظهور اختصاص یافته و در آن بخش عمده ای از روایاتی که در هر یک از این زمینه ها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، جمع آوری گردیده است.

مجلدات یادشده که در بردارنده مطالب جلد ۱۳ از چاپ های قدیمی بحار الأنوار است به دفعات ترجمه شده و برای همه علاقه مندان قابل استفاده است. معروف ترین این ترجمه ها، ترجمه آقای علی دوانی است که با نام مهدی

موعود علیه السلام از سوی انتشارات دارالکتب الاسلامیه منتشر شده است. اخیراً هم این کتاب با ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است.

برخی از مهم ترین موضوعاتی که در مجلدات سه گانه بحارالانوار بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۹_۱. ولادت و احوال مادر امام مهدی علیه السلام؛

۹_۲. اسامی، القاب و کنیه ها؛

۹_۳. نهی از تسمیه آن حضرت؛

۹_۴. صفات، علامات و نسب؛

۹_۵. آیاتی که به قیام قائم تأویل شده اند؛

۹_۶. اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین درباره آن حضرت رسیده است (به تفکیک)؛

۹_۷. اخبار کسانی که در طول تاریخ عمرهای طولانی داشته اند؛

۹_۸. معجزات امام مهدی علیه السلام؛

۹_۹. احوال سفرای آن امام در زمان غیبت صغرا؛

۹_۱۰. احوال کسانی که به دروغ ادعای باییت و سفارت از سوی آن حضرت کرده اند؛

۹_۱۱. معرفی کسانی که آن حضرت را دیده اند؛

۹_۱۲. علت غیبت و چگونگی بهره مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت؛

۹_۱۳. فضیلت انتظار و آنچه شایسته است در زمان غیبت بدان عمل شود؛

۹_۱۴. معرفی کسانی که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده اند؛

۹_۱۵. نشانه های ظهور؛

۹_۱۶. ویژگی های روز ظهور و چگونگی و مدت حکومت آن حضرت؛

۹_۱۷. سیره و اخلاق آن حضرت و یارانش؛

۹_۱۸. آنچه به هنگام ظهور اتفاق می افتد؛

۹_۱۹. رجعت؛

۹_۲۰. توقیعات و... .

گفتنی است که در پایان جلد ۵۳ بحارالأنوار، کتاب جنه المأوی اثر مرحوم حاج میرزا حسین نوری که در آن به احوال کسانی که در دوران غیبت کبرا توفیق تشریف خدمت امام عصر علیه السلام داشته اند، آمده است.

در سال های اخیر نیز کتاب های زیادی براساس دیدگاه کلامی _ تاریخی و با بهره گیری از مصادر اولیه مهدویت به رشته تحریر درآمده اند که برخی از آن ها به شرح زیر است:

۱۰. إلزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام شیخ علی یزدی حائری (در گذشته به سال ۱۳۳۳ق.)، ۲ج، چاپ دوم: قم، مکتبه الرضی، ۱۴۰۴ق.

جلد اول این کتاب شامل مباحث زیر است:

۱۰_۱. لزوم وجود حجت الهی در زمین؛

۱۰_۲. معرفت امام علیه السلام؛

۱۰_۳. بشارت های الهی به ظهور امام مهدی علیه السلام در قرآن و دیگر کتاب های آسمانی؛

۱۰_۴. اخبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به ظهور حجت علیه السلام؛

۱۰_۵. آیاتی که به امام مهدی علیه السلام تفسیر شده اند؛

۱۰_۶. امکان غیبت و کسانی از انبیا و اولیا که غیبت داشته اند، فلسفه غیبت و... .

در جلد دوم این کتاب نیز این عناوین به چشم می خورد:

۱۰_۷. حکایت کسانی که در زمان غیبت کبرا ادعای رؤیت کرده اند؛

۱۰_۸. اخبار اهل سنت به وجود حجت علیه السلام؛

۱۰_۹. نشانه های ظهور، حوادث عصر ظهور و رجعت و... .

شایان ذکر است که این کتاب توسط «سیدمحمد جواد مرعشی نجفی» ترجمه و با نام چهره درخشان امام زمان علیه السلام در سه جلد منتشر شده است.

۱۱. امامت و مهدویت، لطف الله الصافی الکلپایگانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

این کتاب مجموعه ای از مقالات و کتاب هایی است که پیش از این به صورت مستقل چاپ و منتشر شده است. عناوین آثار منتشر شده در این مجموعه به شرح زیر است:

۱۱_۱. انتظار عامل مقاومت؛

۱۱_۲. فروغ ولایت؛

۱۱_۳. وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام؛

۱۱_۴. عقیده نجات بخش؛

۱۱_۵. اصالت مهدویت؛

۱۱_۶. معرفت حجت خدا؛

۱۱_۷. نوید امن و امان؛

۱۱_۸. پاسخ به ده پرسش.

۱۲. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، سیدمحمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳-۱۳۰۸ش)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده که در زمره محدود کتاب های ارزشمند تألیف شده در سال های اخیر است، مشتمل بر ۲۴ فصل است که عناوین آن ها به این شرح

است:

۱۲_۱. امام زمان علیه السلام کیست؟

۱۲_۲. نام و نسب حضرت؛

۱۲_۳. بشارات قرآن؛

۱۲_۴. بشارات احادیث نبوی؛

۱۲_۵. بشارات احادیث اهل بیت علیهم السلام؛

۱۲_۶. آیا امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است؟

۱۲_۷. چگونه از دیده ها نهان شده است؟

۱۲_۸. پنهانی کوتاه مدت؛

۱۲_۹. نایبان چهارگانه؛

۱۲_۱۰. چه کسانی در غیبت کوتاه آن حضرت را دیده اند؛

۱۲_۱۱. پنهانی بلندمدت؛

۱۲_۱۲. چه کسانی در غیبت بلند آن حضرت را دیده اند؟

۱۲_۱۳. چگونه تا امروز عمر کرده است؟

۱۲_۱۴. هنگام ظهور؛

۱۲_۱۵. اوصاف و علائم آن حضرت؛

۱۲_۱۶. نشانه های ظهور؛

۱۲_۱۷. مدعیان دروغین مهدویت و مهدی خوانده ها؛

۱۲_۱۸. چگونگی و محل ظهور؛

۱۹_۱۲. چگونگی تسلیم شدن قدرت ها؛

۲۰_۱۲. چگونگی حکومت به هنگام ظهور؛

۲۱_۱۲. جامعه در عصر ظهور؛

۲۲_۱۲. شمار سال های زمامداری؛

۱۲_۲۳. پایان زندگی آن حضرت؛

۱۲_۲۴. پس از آن حضرت.

۱۳. روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ۲ ج، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده از نظر جامعیت مباحث، کثرت تتبع روایات، روانی و شیوایی نگارش و نگاهی جدید به برخی روایات قابل توجه است. عناوین فصول بیست گانه این کتاب به شرح زیر است:

۱۳_۱. مهدی منتظر کیست؟؛

۱۳_۲. سیمای حضرت مهدی علیه السلام؛

۱۳_۳. میلاد مسعود؛

۱۳_۴. راز غیبت؛

۱۳_۵. استفاده از امام غائب؛

۱۳_۶. راز طول عمر؛

۱۳_۷. غیبت صغرا؛

۱۳_۸. غیبت کبرا؛

۱۳_۹. دوران حیرت؛

۱۳_۱۰. انتظار؛

۱۳_۱۱. یاران امام زمان علیه السلام؛

۱۳_۱۲. روزگار رهایی؛

۱۳_۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام؛

۱۳_۱۴. دولت حق؛

۱۵_۱۳. نشانه ها؛

۱۶_۱۳. اهل آخرالزمان؛

۱۷_۱۳. نشانه های خارق العاده؛

۱۸_۱۳. آشوب های جهانی؛

۱۹_۱۳. آشوب های بیگانگان؛

۲۰_۱۳. انقلابی ها و شورشی ها.

در پایان چاپ فارسی این کتاب فهرست های ارزشمندی آمده که برای اهل تحقیق بسیار قابل استفاده است.

در پایان این قسمت از مقاله برای آشنایی عزیزانی که قصد تحقیق و پژوهش در حوزه مباحث مهدوی دارند دو مجموعه حدیثی و دو کتابنامه را نیز معرفی می کنیم:

۱۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام لطف الله الصافی الکلپایگانی، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.

این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ (برابر با ۱۳۷۳ق.) به چاپ رسیده در بردارنده ۱۲۸۷ حدیث در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام است که با بهره گیری از ۳۹۰ کتاب از منابع معتبر شیعه و اهل سنت _ که در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، رجال، تاریخ، لغت و... نوشته شده اند _ به رشته تحریر درآمده است.

کتاب یادشده در یازده باب و ۹۴ فصل تنظیم شده است و در هر باب، احادیث مرتبط با یک یا چند موضوع مشخص جمع آوری و دسته بندی شده اند. مهم ترین موضوعاتی که در ابواب یازده گانه کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱_۱۴. خلفای دوازده گانه پیامبر صلی الله علیه و آله و اینکه تعداد آن ها به تعداد نقبای بنی اسرائیل و حواری عیسی علیه السلام است؛

۲_۱۴. اسامی امامان دوازده گانه؛

۱۴_۳. ظهور مهدی علیه السلام اسماء، اوصاف، خصائص و شمائل آن حضرت؛

۱۴_۴. ولادت امام مهدی علیه السلام کیفیت و تاریخ آن و...؛

۱۴_۵. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا و ذکر کسانی که در این دوران به مقام سفارت رسیدند؛

۱۴_۶. حالات و معجزات امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت کبرا و ذکر کسانی که در این دوران موفق به زیارت آن حضرت شدند؛

۱۴_۷. نشانه های ظهور و آنچه قبل از ظهور اتفاق می افتد؛

۱۴_۸. آنچه پس از ظهور امام مهدی علیه السلام اتفاق می افتد؛

۱۴_۹. حالات اصحاب و یاران آن حضرت؛

۱۴_۱۰. مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور و کیفیت زندگی او در میان مردم و...؛

۱۴_۱۱. فضیلت انتظار فرج، تکالیف شیعه، فضیلت کسانی که آن حضرت را درک و ایشان را اطاعت کنند، کیفیت تسلیم و صلوات بر ایشان، دعاها و دعاهای آن حضرت و... .

در پایان معرفی کتاب منتخب الأثر لازم است دو نکته را یادآور شویم:

۱. مؤلف محترم این کتاب، چنان که خود در مقدمه جلد اول تصریح می کند، در صدد جمع آوری همه احادیث که در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام وارد شده اند نبوده و در هر زمینه تنها به بیان نمونه یا نمونه هایی از احادیث موجود بسنده کرده است.

۲. این کتاب آثار و فوائد بسیاری دارد که از آن جمله می توان به اثبات وجود تواتر (۱) در زمینه بسیاری از موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و اتفاق نظر

۱- «تواتر» [در لغت] یعنی یکی پس از دیگری و همراه با فاصله... و در اصطلاح، حدیث «متواتر» خبر جماعتی است که سلسله روایت آن تا به معصوم در هر طبقه به حدی باشد که امکان توافق آن ها بر کذب به طور عادی محال می باشد و موجب علم گردد. «سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرايه، ص ۲۳. همچنین ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۳۳. خبر متواتر به لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم شده است. «متواتر لفظی خبری

است که همه ناقلین، مضمون آن را یکسان و با الفاظ واحد ذکر نمایند و با هم تطابق لفظی دارند... متواتر معنوی خبری است که همه ناقلین مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل می نمایند» سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرایه، ص ۲۷. «متواتر اجمالی و آن علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی است که در یک موضوع وارد شده» کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۳۷.

شیعه و اهل سنت در زمینه بسیاری دیگر از این موضوعات اشاره کرد.

۱۵. معجم احادیث الإمام المهدي عليه السلام مؤسسه المعارف الإسلامیه، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.

در این مجموعه پنج جلدی که با استفاده از ۴۰۸ کتاب از منابع تفسیری روایی، تاریخی و... شیعه و اهل سنت تدوین شده، مجموعاً ۱۹۴۱ حدیث از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام _ که در موضوع امام مهدی علیه السلام و مباحث مختلف مرتبط با آن حضرت وارد شده اند _ جمع آوری و دسته بندی شده است.

ناگفته نماند که در این کتاب در ذیل هر موضوع یک یا چند حدیث که در مصادر اولیه و متقدم ذکر شده اند، در متن آورده شده و در زیرنویس نیز به حدیث یا احادیث مشابهی که در همان موضوع در سایر مصادر یافت می شود، اشاره شده است، از این رو با احتساب احادیث مشابه تعداد روایات این مجموعه بسیار فراتر از رقم یادشده خواهد بود.

از آنجا که در این مجال اندک امکان معرفی همه موضوعات مطرح شده در کتاب مذکور وجود ندارد، تنها به معرفی اجمالی مجلدات پنجگانه این کتاب بسنده می کنیم:

۱_۱۵. جلد اول و دوم، این دو جلد به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله _ که غالباً از طریق اهل سنت روایت شده _ اختصاص یافته و در آن ها ۵۶۰

حدیث در ذیل نزدیک به ۱۰۰ عنوان دسته بندی و ارائه شده است.

۱۵_۲. جلد سوم و چهارم، این دو جلد در بردارنده نزدیک به ۸۷۶ حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام است. گفتنی است که در این دو جلد احادیث هر یک از امامان به طور جداگانه دسته بندی و عنوان گذاری شده است.

۱۵_۳. جلد پنجم، در این جلد نیز ۵۰۵ حدیث که در تفسیر برخی آیات قرآن وارد شده و در آن ها برخی آیات که به امام مهدی علیه السلام و موضوعات مختلف مرتبط با ایشان تفسیر و تأویل شده اند، دسته بندی و ارائه شده است.

۱۶. در جست و جوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان علیه السلام سید مجید پورطباطبائی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۱۷. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ ج، علی اکبر مهدی پور، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

۲_۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی

۲_۲. دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی

این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی _ تاریخی در زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت؛ طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه ها و آشوب های آخرالزمان مطرح سازد.

پیش از پرداختن به مهم ترین شاخصه های دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی لازم

است به عنوان مقدمه نکاتی را یادآور شویم:

چنانکه در بررسی نقش سازنده انتظار گفته شد، در معارف شیعی، برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که در آخرالزمان زمین را از هرگونه بی عدالتی و نابرابری پیراسته می سازد، مطرح نیست؛ بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می دهد.

امام مهدی علیه السلام از یک سو شخصیتی تاریخی و مربوط به گذشته است؛ چرا که او براساس قرائن و شواهد تاریخی انکارناپذیر در زمان و مکان مشخص و از نسل و تبار شناخته شده به دنیا آمده و حوادث و رویدادهای مختلف تاریخی را رقم زده است. این امام از دیگر سو، شخصیتی است مربوط به زمان حال؛ زیرا او به موجب نصوص فراوان، حجت خداوند بر بندگان در عصر حاضر و امام زمان شیعیان است و مردم در همین زمان حال نیز وظایف و تکالیف مشخصی در برابر او دارند. و بالاخره این امام؛ همچون موعود دیگر ادیان، شخصیتی مربوط به زمان آینده است؛ چرا که بنا بر روایات بی شماری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام نقل شده، او جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می سازد و آینده بشر را رنگ و بویی خدایی می دهد.

براین اساس می توان گفت: همچنان که محدود کردن شخصیت امام مهدی علیه السلام به زمان گذشته و تنها سخن از موضوعاتی مانند تاریخ غیبت صغرا و غیبت کبرا و نواب اربعه گفتن جفایی آشکار به این شخصیت است، محدود کردن آن حضرت به زمان آینده و معرفی کردن ایشان تنها به عنوان منجی موعود و کسی که فقط در آینده نامعلوم منشأ تحولاتی در جوامع انسانی خواهد بود، نیز ستمی بزرگ به حجت خدا و امام حقیقی و شاهد و ناظر است. بنابراین تنها زمانی می توان به شناختی جامع از شخصیت امام مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت و انتظار

شیعی دست یافت که جایگاه و نقش این شخصیت و اندیشه را در سه زمان گذشته، حال و آینده بررسی کنیم و ضمن توجه به ریشه های تاریخی اندیشه مهدویت، رسالتی را که در عصر حاضر در برابر آن امام بزرگوار علیه السلام برعهده داریم به فراموشی نسپاریم و در عصر غیبت تمام تلاش خود را برای کسب رضایت آن حضرت و دوری از ناخشنودی ایشان، به کار بندیم.

شاید بتوان گفت معنای «معرفت امام زمان علیه السلام»، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام این همه در روایات بر آن تأکید کرده و دست نیافتن به آن را برابر با مرگ جاهلی دانسته اند، نیز چیزی غیر از این نیست؛ زیرا معرفت امام زمان علیه السلام آنگاه می تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت های او بهره مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم و گرنه رف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آنکه این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه نجات و رستگاری ما باشد.

با این نگاه به انتظار است که دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی، شکل گرفته و نگاهی متفاوت را نسبت به آنچه تا کنون در زمینه فرهنگ مهدوی وجود داشته، مطرح کرده است.

در این قسمت از مقاله اگر بخواهیم به شاخص ترین اندیشمندانی که براساس دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی به تحلیل و بررسی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار پرداخته و تلاش کرده اند با طرح این اندیشه راهی برای خروج شیعیان از بن بست های عصر غیبت بیابند، اشاره کنیم، به جرأت می توانیم بگوییم در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر علیه السلام می گذرد، هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی رحمه الله به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیر گذار نبوده است.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش

خستگی ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

برای روشن تر شدن دیدگاه حضرت امام در این زمینه، به برخی از مهم ترین شاخصه های این دیدگاه اشاره می کنیم:

۱. ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت: ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بدیع از «حجت بودن امام معصوم» اعلام می دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان و پدران بزرگوارش علیهم السلام بر بندگان احتجاج و نسبت به عمل براساس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم علیهم السلام در جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه ای از آن ها پذیرفته نمی شود.

حضرت امام در کتاب البیع خود به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توفیق شریف حضرت صاحب الامر علیه السلام که در آن آمده است:

... و أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (۱)

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.

می فرماید:

مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم این نیست که فقط بیان کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز حجت است و هیچ کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همگان آشکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات الله علیهم اجمعین، این

۱- محمدبن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی شان، بر بندگان احتجاج می کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه های حکومت است. به عنوان مثال، وجود امیرالمؤمنین علیه السلام برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم پیشه حجت است؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار، باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه اند سایر حجت های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام که عدل را در میان مردم می گستراند و زمین را از قسط پر می کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می راند. (۱)

بر اساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران می فرمودند:

ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه هایی که الان به کار گرفته شده اند در کشور ما [...] باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی، سلام الله علیه. (۲)

۲. دگرگون ساختن مفهوم انتظار: امام خمینی مفهومی را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با همه دیدگاه هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می کردند به مقابله جدی پرداخت:

۱- امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو، شئون و اختیارات ولی فقیه ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، ص ۴۶.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۲، ص ۲۰۸-۲۰۹.

بعضی ها انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخوانند [...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می کنند [...] یک دسته ای می گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...] یک دسته ای از این بالاتر بودند و می گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت علیه السلام تشریف بیاورند [...] یک دسته دیگر بودند که می گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. (۱)

ایشان ضمن ردّ همه دیدگاه های یادشده دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این گونه بیان می کند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود. (۲)

همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود،

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۹، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۷، ص ۲۵۵.

بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی _ الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. (۱)

۳. تلاش برای تحقق عدالت در عصر غیبت: حضرت امام، تلاش برای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و همه مسلمانان را دعوت می کردند که تا سر حد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند:

ما اگر دستمان می رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی توانیم، این که هست این است که حضرت عالم را پر می کنند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید. (۲)

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم می کردیم اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید ببینند. (۳)

۴. زمینه سازی برای ظهور منجی موعود: رهبر فقید انقلاب اسلامی معتقد بود که باید با گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطه جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار ساخت:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان، ارواحنا فداه، هموار

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۹، ص ۱۹۸.

۳- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۵. حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام: امام راحل به جدّ بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران، نقطه شروع انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و از این رو پیوسته به مسئولان نظام توصیه می کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است غافل نشوند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت، ارواحنا فداه، است _ که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد _ مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آن ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. (۲)

در سال های اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمان های امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سر لوحه فعالیت های خود قرار داده و پرداختن به

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص ۱۹۷.

۲- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۱، ص ۱۰۸. برای مطالعه بیشتر زمینه جایگاه انتظار در اندیشه امام خمینی ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، شناخت زندگی بخش، ص ۱۵۱ _ ۱۷۱. مقالات «احیای اندیشه انتظار» و «امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی».

امور زیر را در عصر حاضر ضروری می دانند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین وجوه مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیتی که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان های عصر غیبت تنها زمانی می توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند؛

۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتاً به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت تأثیر اندیشه های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چرا که این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه های دینی برای خروج از فتنه های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛

۳. تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تا رسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار؛

۴. بازشناسی وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی و...؛

۵. تلاش در جهت پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شائبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط؛

۶. پاسخگویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهات، پرسشها و

ابهام های موجود در زمینه منجی گرایی شیعی؛

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛
 ۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر علیه السلام نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور؛
 ۹. مقابله جدی با کلیه جریان های سیاسی _ فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم افزارهای رایانه ای، پایگاه های اطلاع رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه موعود گرایی شیعی می پردازند؛
 ۱۰. بررسی و نقد کلیه دیدگاه هایی که از سوی متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح شده است.
- برخی از مهم ترین آثاری که می توان با استفاده از آن ها به شناختی نسبتا جامع از دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی رسید، به شرح زیر است:

۱. خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، محمدرضا حکیمی، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

کتاب یادشده در زمره محدود آثار ارزشمندی است که در سال های اخیر در زمینه فرهنگ مهدوی نوشته شده است. نویسنده گرانمایه این کتاب در مقدمه خود بر این نکته تأکید می کند که «آرمان والا، در کار ابلاغ حقایق مذهبی، گسترش تربیت صحیح و برپایی قسط و عدالت بوده است، در همه شئون جامعه، به ویژه در امور اقتصادی و معیشتی برای همگان، که صورت نهایی آن در حکومت مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت» و بر همین اساس در فصول مختلف کتاب به ویژه از فصل یازدهم به بعد تلاش می کند که از جامعه ایده آل مهدوی پللی به جامعه امروز مسلمانان بزند و راهی برای تحقق آن آرمان متعالی در

دوران غیبت بیابد؛ چرا که به گفته او: «خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد، باید خود صالح باشد».

عناوین فصول این کتاب به شرح زیر است:

۱_۱. میلاد؛

۱_۲. شمایل و سیرت؛

۱_۳. غیبت؛

۱_۴. در کتاب های پیشینیان؛

۱_۵. در کتاب های مسلمین (اهل سنت)؛

۱_۶. در کتاب های مسلمین (شیعه)؛

۱_۷. در قرآن کریم؛

۱_۸. در سوره قدر؛

۱_۹. در علوم عقلی؛

۱_۱۰. در علوم تجربی؛

۱_۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی؛

۱_۱۲. غیبت مقاومت نه غیبت تسلیم؛

۱_۱۳. انتظار؛

۱_۱۴. در طلب خورشید.

۲. درآمدی بر استراتژی انتظار؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

چنانکه در مقدمه جلد اول این کتاب آمده است «در جلد اول این اثر نگارنده از دریچه «باور مهدوی» سعی در عرضه تحلیلی کلی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی (طی دو دهه اخیر) دارد تا پس از آن از لابلای این اندیشه (و با توجه به شرایط ویژه تاریخی عصر حاضر) زمینه های گفت و گو از

«استراتژی انتظار» را فراهم آورد» و در جلد دوم این کتاب نیز نویسنده تلاش کرده است ضرورت تدوین استراتژی و ملزومات آن را تبیین و ثابت نماید که «گفت و گو از امام عصر علیه السلام و طرح استراتژی انتظار تنها طریق گذر از شرایط فعلی برای رسیدن به شهر امن منتظران و ورود به خیل طالبان و داعیان حضرت احب الزمان، ارواحنا له الفداء، است».

عناوین فصول جلد اول و دوم کتاب یاد شده به شرح زیر است:

۱_۲. چهار حرکت (چهار مرحله حیات انقلاب اسلامی ایران)؛

۲_۲. هفت غفلت (مهم ترین اموری که در سال های اخیر از آن ها غفلت شده است)؛

۳_۲. استراتژی انتظار؛

۴_۲. استراتژی و ملزومات آن؛

۵_۲. چرا باید از موعود و استراتژی انتظار گفت؟؛

۶_۲. حجت موجه؛

۷_۲. عهد.

۳. شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، ابراهیم شفیعی سروسستانی، چاپ اول: تهران، موعودعصر، ۱۳۷۸.

کتاب یاد شده دربردارنده دوازده مقاله است که نویسنده در طول سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در مجله موعود منتشر ساخته است. این کتاب، فرهنگ مهدوی را هم از دیدگاه اعتقادی _ تاریخی و هم از دیدگاه فرهنگی _ اجتماعی مورد بررسی قرار داده و خواننده خود را به اجمال با مبانی هر یک از این دو دیدگاه آشنا می سازد.

عناوین مقالات منتشر شده در این کتاب به شرح زیر است:

۱_۳. با مزداران حریم تفکر شیعی؛

۳_۲. دعای شب و آه سحر؛

۳_۳. از تولد تا غیبت؛

۳_۴. چشمه سار جاری امامت؛

۳_۵. غیبت، مفهوم و علل آن؛

۳_۶. چشم به راه حجت، در آرزوی منجی؛

۳_۷. جامعه منتظر، جامعه پویا؛

۳_۸. جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب؛

۳_۹. نشانه های ظهور؛

۳_۱۰. یاران قائم؛

۳_۱۱. احیای اندیشه انتظار؛

۳_۱۲. امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی.

۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.

این مجله که از سال ۱۳۷۶ تا کنون به طور مستمر منتشر شده است، در شماره های مختلف خود تلاش نموده است که ضمن پرداختن به مبانی اعتقادی فرهنگ مهدوی و بررسی تاریخی این موضوع، فرهنگ مهدوی را به عنوان یک موضوع جاری و ساری در متن اجتماع که نسبت به همه تحولات و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی که در سطح ملی و بین المللی به وقوع می پیوندد بی تفاوت نبوده و نسبت به همه آن ها دارای موضع و دیدگاه مشخص است، مطرح سازد و این فرهنگ را به عنوان راهی برای خروج از بن بست های مختلف که جامعه ما در عرصه های مختلف با آن ها روبروست معرفی کند.

۳ رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

۳ رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

کلیه فعالیت هایی که با هدف احیا، گسترش و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در جامعه صورت می گیرد از مصادیق

بارز «انتظار فرج» و در نتیجه از

جمله عبادات، بلکه از شایسته ترین آن ها، به شمار می آید. چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۱)

برترین عبادت ها انتظار فرج است.

از این رو در این گونه فعالیت ها چون هر عبادتی دیگر، نیت و اخلاص شرط اساسی بوده و بدون نیت خالصانه این فعالیت ها هیچ ثمری برای انجام دهندگان آن ها نخواهد داشت.

اما انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی خالصانه برای امام عصر علیه السلام مستلزم درک چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آن ها را یادآور می شویم:

۱-۳. مدیون بودن همه ما نسبت به امام عصر علیه السلام: استمرار هستی و بقای همه ما بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ چرا که به فرموده امام باقر علیه السلام:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِمامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا. (۲)

اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند اهلش را در خود فرو می برد.

و همه نعمت ها و خیرات و برکاتی که در عالم هستی نصیب ما می شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و به طفیل هستی ایشان است. چنان که در «دعای عدیله» می خوانیم:

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ يُمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ. (۳)

به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او مردم روزی داده می شوند و به واسطه وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست.

۱- محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

۲- محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۷، ح ۶۴.

۳- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

از این رو می توان گفت که همه ما در زندگی خود مدیون و وامدار امام عصر علیه السلام هستیم و ایشان نسبت به همه ما حق حیات دارند و به همین دلیل اگر موفق شویم که قدمی در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت برداریم جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان کاری انجام نداده ایم.

۲_۳. خدمت به امام عصر علیه السلام افتخار همه اولیاء و بزرگان: امام مهدی علیه السلام چنان جایگاه رفیعی در عالم هستی دارند که حتی ائمه معصومین علیهم السلام خدمت به ایشان را افتخار خود دانسته و آرزو می کردند که خداوند توفیق خدمت به آن حضرت را نصیبشان فرماید. چنان که وقتی از امام صادق علیه السلام می پرسند که: «آیا قائم به دنیا آمده است؟» می فرماید:

لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدِمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي. (۱)

خیر، اما اگر او را درک کنم همه روزهای زندگی ام خدمتگزارش خواهم بود.

با توجه به این موضوع کسی که توفیق خدمت به آرمان ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می آورد، نه تنها منتی بر امام عصر علیه السلام ندارد، بلکه باید خدا را به خاطر توفیقی که نصیب او کرده شکر کند.

۳_۳. جاری شدن برکت در زندگی خدمتگزاران به امام عصر علیه السلام: بدون تردید هرگونه فعالیتی که با هدف ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام گسترش فرهنگ امامت و ولایت در جامعه و تعمیق عشق و ارادت مردم به خاندان رسالت صورت گیرد مورد رضایت حضرت حق بوده و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می شود.

با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام

۱- محمدبن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبه، ص ۲۴۵؛ محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸، ح ۲۲. شایان ذکر است که در برخی از کتاب ها این روایت به امام حسین علیه السلام استناد داده شده که ظاهراً صحیح نباشد.

نموده و در این راه از استعدادها، توانایی ها و امکانات مادی و معنوی خود حداکثر استفاده را کرده اند، نشان می دهد که این گونه افراد در زندگی خود از توفیق ها و برکت های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده اند. رمز این مسئله نیز روشن است؛ چرا که به اعتقاد ما هر کس در راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آن ها را در حد توان خود، یاری نماید، مشمول این دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و طهارت خواهد شد که:

اللَّهُمَّ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. (۱)

خدایا یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند.

اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ.. وَ انصُرْ ناصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ. (۲)

خدایا او را (مهدی علیه السلام) یاری کن به وسیله او دینت را، دوستانت را، دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری کن و ما را از ایشان قرار بده... و هر کس که او را یاری می کند یاری ده و هر کس که او را خوار می کند خوار کن.

توجه به نکات یادشده، مبلغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هر گونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساحت مقدس آن حضرت فارغ می سازد و به او یاری می دهد که با نیت خالصانه، به دور از هر گونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذم این و آن به فعالیت در این حوزه بپردازد.

۱- محمدباقر المجلسی، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۲۶، ح ۲۴.

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۴ توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام

۴ توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین است. چنان که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام خطاب به ایشان عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ... الْمُتَنَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ. (۱)

سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا... آن که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است.

آن حضرت چنان مقامی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارند که خطاب به ایشان از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده اند. از جمله در روایات زیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است:

بِأَبِي وَ أُمِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوبُ (جَلَابِيبُ) الثُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ. (۲)

پدر و مادرم به فدای او که همانام من، شبیه من و شبیه موسی پسر عمران است، بر او جامه هایی از نور است که از پرتو قدس روشنایی می گیرد.

بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ... (۳)

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان... .

امام راحل نیز در بیان جایگاه و شأن بی مانند امام مهدی علیه السلام در عالم هستی می فرماید:

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سیدبن طاووس.

۲- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۰.

۳- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۱.

من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ تر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود علیه السلام است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. (۱)

با توجه به همین مقام و مرتبت رفیع امام عصر علیه السلام است که در روایات سفارش شده برای عرض سلام و ارادت به پیشگاه آن حضرت از کلمات و عبارات های خاصی استفاده کنیم. از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، می خوانیم:

مَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمًا فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرَّسَالَةِ». (۲)

هر کس از شما که قائم ما علیه السلام را دریابد، پس باید به هنگام دیدار با او بگوید: «سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین بیان شده است.

لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». (۳)

هیچ سلام دهنده ای بر آن حضرت سلام نمی دهد، مگر این که می گوید: «سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین».

مطالعه سیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می دهد که آن ها نهایت ادب و احترام را نسبت به حضرت صاحب الامر علیه السلام رعایت و از هر سخن و عملی که در

۱- صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

۲- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

۳- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۲.

آن اندک شائبه بی توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز می کردند. در این باره حکایت زیر که از مرجع عالی قدر حضرت آیه الله العظمی الصافی الگلپایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیه الله العظمی بروجردی نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده، بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود، در آن مجلس شخصی با صدای بلند گفت: برای سلامتی امام زمان و آیه الله بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که در حیاط قدم می زد، با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و با عصا محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند، ترسیدند که نکند اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر است. آیت الله بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید».^(۱)

براساس آنچه گفته شد، بر همه مبلغان فرهنگ مهدوی، اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران، مدیحه سرایان و... لازم است که در نوشته ها، گفته ها، سرودها و به تعبیر عام تر در کلیه فعالیت های تبلیغی و ترویجی خود، نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند.

۴_۱. خودداری از به کار بردن کلمات و تعابیری که شایسته جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛

۴_۲. رعایت نهایت ادب و احترام به هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛

۴_۳. ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن به هنگام بیان نام خاص ایشان؛

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیه الله بروجردی و شیخ شلتوت.

۴_۴. رعایت ساحت قدسی آن امام و پرهیز از تعمیم اوصاف و ویژگی های خاص ایشان به دیگران.

۵ دشمن شناسی و دوست شناسی

اشاره

۵ دشمن شناسی و دوست شناسی

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و همآوری دو «ولایت» است؛ ولایت خدا و دوستان او از یک سو و ولایت شیطان (طاغوت) و پیروان او از سوی دیگر.

در این فرهنگ انسان ها یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند که خدا آن ها را از تاریکی های نادانی و گمراهی خارج و به روشنای دانایی و رستگاری داخل می کند و یا در خط ولایت شیطان و دوستان شیطان که اولیائشان آن ها را از روشنایی هدایت به تاریکی های ضلالت سوق می دهند:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (۱)

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد. ولی [کسانی که کفر ورزیده اند، سرورانشان طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها به در می برند، آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

با توجه به این نگرش بوده است که در آموزه های اسلامی به نقش «ولایت» در زندگی انسان ها توجه ویژه ای شده و همه اهل ایمان موظف شده اند که از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشند و از سوی دیگر از ولایت شیطان و پیروان او بیزاری جویند.

و این همان حقیقت «تولی» (۲) و «تبری» (۳) است که در مکتب تشیع این همه بر

۱- سوره بقره ۲ آیه ۲۵۷؛ همچنین ر.ک: سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۱۹.

۲- «تولی» بر وزن ترقی مصدر باب تفعیل از ماده «ولی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولی خود قرار دادن است. «ولی» در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنانکه مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی، یآوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولی هم می تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد و هم می تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می توان گفت که دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی

است؛ چرا که دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی تواند سرسپرده او شود و چنانکه باید و شاید تسلیم او گردد. ر.ک: ابی الفصل جمال الدین محمد بن مکرم (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷، ماده «ولی»؛ احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ص ۶۷۳-۶۷۲؛ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۵، ص ۶۲۷۲، ماده تولی).

۳- «تبری» نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است. ر.ک: احمد بن حمد بن علی المقرئ الفیومی، همان، ص ۴۶-۴۷، ماده بری. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۴، ص ۵۷۵، ماده تبری. در مورد معنای اصطلاحی این دو کلمه نیز گفته اند: تولی و تبری؛ یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین و جانشینان به حق آنان (فقیهان) و مؤمنان پر کند و در عین حال، بغض و کینه دشمنان آن ها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید. (ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، ص ۴۲۹-۴۴۶).

آن تأکید شده است.

۱_۵. توّلی و تبّری در آموزه های اسلامی

اگر چه «توّلی» و «تبّری» در اصطلاح از فروع دین برشمرده شده اند، اما از مجموعه معارف اسلامی، به ویژه آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام چنین برمی آید که این دو موضوع نه فرع دین بلکه همه دین و تمامیت ایمان اند و به بیان دیگر دین و ایمان چیزی جز دوستی و ورزیدن و بیزاری جستن به خاطر خدا نیست.

«فضیل بن یسار» یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ أَمِنْ الْإِيمَانِ هُوَ؟ فَقَالَ: وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ. (۱)

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ فرمود: آیا ایمان جز دوستی و دشمنی است؟

همچنین از آن حضرت نقل شده است که:

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَصْحَابِهِ: أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمْ: الْجِهَادُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضَلُّ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَالِي (تَوَلَّى) أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ التَّبَرُّى مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ. (۱)

رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد، به یارانش فرمود: استوارترین دستاویزهای ایمان کدام است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند. بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات؛ بعضی گفتند: روزه؛ بعضی گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای همه آنچه گفتید فضیلتی است، اما استوارترین دستاویزهای ایمان نیست، بلکه استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا، پیروی کردن از اولیای خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست.

این همه نیست مگر به دلیل آنکه دوستی ها و دشمنی های آدمی مبدأ همه کنش ها و واکنش ها و تأثیر و تأثرهای او و تعیین کننده منش و روش او در زندگی فردی و اجتماعی است و نجات و رستگاری یا سقوط و گمراهی هر انسانی بستگی تام و تمامی به این موضوع دارد که او در زندگی خود دل به چه کسی یا چه چیزی بسته و سر به ولایت که سپرده است.

بنابراین می توان گفت از آنجا که عصر حاضر، عصر امامت و ولایت امام مهدی علیه السلام است و ایشان حجت الهی در زمان هستند ما از یک سو وظیفه داریم که به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنییم و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را براساس خواست و رضایت او سامان دهیم و از سوی دیگر مکلفیم که از تمسک به ولایت دشمنان آن حضرت خودداری کنیم و از هر آنچه که در تقابل با این ولایت است بیزاری جویم.

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶، ح ۶.

بدون تردید امروز فرهنگ و تمدن برخاسته از «اومانیزم»، «سکولاریسم» و «لیبرالیسم» غربی _ که با خوی استکباری و برتری طلبی خود در پی حاکمیت بخشیدن ولایت خود بر سراسر جهان است _ در تقابل جدی با فرهنگ ولایت محور شیعی و آرمان «حقیقت مدار»، «معنویت گرا» و «عدالت محور» مهدوی قرار دارد و از این رو بر همه متمسکان به ولایت مهدوی لازم است که از این فرهنگ و تمدن بیزاری جویند و با سلطه طلبی آن مقابله کنند. سلطه طلبی ای که هر روز با شکل و چهره ای جدید رخ می نماید و تمامیت ایمان، استقلال و آزادی ما را مورد حمله قرار می دهد. روزی در چهره استعمار و با بهانه متمدن ساختن ملل عقب مانده مشرق زمین و روزی در لباس آزادسازی کشورهای تحت ستم و صدور دمکراسی به این کشورها.

۲_۵. ضرورت دوست شناسی و دشمن شناسی

البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمه دل بستن و در آویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است (۱) و از این رو برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، دوست شناسی و دشمن شناسی ضروری است؛ چرا که اینان تا ولایت مهدوی را _ که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است _ چنانکه باید نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند شناخت جدی نداشته باشند نمی توانند آنچه را که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی در آویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند. (۲)

۱- در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است «... والحبّ فرع المعرفة»؛ دوستی فرع حاصل معرفت است. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲، ج ۲۲.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروسستانی، «اصلی ترین فروع»، مجله موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی به ویژه لازم است که همه تلاش خود را برای شناخت توطئه‌ها و نقشه‌هایی که در عصر حاضر از سوی نظریه پردازان، استراتژیست‌ها و سیاستمداران غربی برای مقابله با اصول گرای اسلامی و تحت سلطه درآوردن کشورهای اسلامی مطرح می‌شود، به کار بندند و با جریان‌های خطرناک و سلطه طلبی چون «مسیحیت صهیونیستی» که امروزه با حاکمیت در کاخ سفید در پی نابودی همه کشورهای اسلامی گسترش و توسعه نفوذ اسرائیل در اراضی مقدس مسلمانان است، بیش از پیش آشنا شوند.^(۱)

۶ توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید

۶ توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید

در طول تاریخ پرفراز و نشیب شیعه افراط‌ها و تفریط‌های فراوانی در موضوع مهدویت صورت گرفته و جریان‌های انحرافی بسیاری در این زمینه شکل گرفته‌اند. اما در همه این زمان‌ها جریان قدرتمند فقاقت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعی با همه این انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌های مقابله کرده و همواره مبلغ و مروج اندیشه ناب برگرفته شده از تعالیم معصومین علیهم السلام بوده است. از این رو بر گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه مباحث مهدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های خود، همواره دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عالی قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مدنظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند؛ چرا که براساس فرمایش امام عصر علیه السلام آن‌ها حجت بر همه ما هستند:

... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورِهِ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مجله موعود، شماره ۳۹-۴۶.

حُجَّهُ اللَّهِ عَلَيْهِم (۱)

... و اما در رویدادهایی که [برای شما] پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان هستم.

از این رو می توان گفت هر فعالیت فرهنگی و تبلیغی، هر چند به نام مبارک امام عصر علیه السلام که در آن دیدگاه مراجع عظام تقلید نادیده گرفته شود نه تنها مورد رضایت آن حضرت واقع می شود، بلکه چه بسا ممکن است موجب دور شدن مردم از آرمان های واقعی امامشان و گرفتاری هر چه بیش تر در دام غفلت گردد.

۷ توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اشاره

۷ توجه به آفت ها و آسیب های اندیشه مهدوی

اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار نیز چون هر اندیشه و فرهنگی آفت ها و آسیب هایی دارد که اگر به آن ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن ها اقدام نگردد می تواند آثار منفی و مخربی داشته باشد. البته این آسیب ها می تواند در هر زمان متفاوت از زمان دیگر باشد، از این رو مقابله با آن ها نیازمند آسیب شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان شناس و مراکز فرهنگی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی است.

به نظر می رسد در حال حاضر فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب های مختلفی روبروست که می توان آن ها را در ذیل دو عنوان کلی دسته بندی کرد:

۱_۷. عوام زدگی و سطحی نگری

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آن ها به موضوعات و مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رؤیا و حکایت های ضعیف و

۱- محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

بی اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبیر در معارف مهدوی، برداشت های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده اند.

سخنرانی ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می شوند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت احب الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وامی دارد که تنها باید در خلوت خود در جست و جوی امام غائب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی راهی برای تشریف خدمت آن حضرت پیدا کرد. (۱) قطعا اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند دچار دل زدگی و ناامیدی شده و شاید به طور کلی از فرهنگ مهدوی روی گردان می شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی ها و آثار دارد این است که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد.

۲_۷. روشنفکرزدگی و تأویل گرایی

گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می بینند و همه حقایق هستی را با ملاک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می کنند، به ارائه برداشت های روشنفکرانه از قیام و انقلاب

۱- این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشریف خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام و ملاقات ایشان نیست؛ چرا که اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت هرگز به ما سفارش نمی کردند که در هر بامداد و به هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه السلام با خدای خود نجوا کنید که: «اللهم أرني الطلعه الرشیده»؛ بار خدایا آن چهره زیبای رشید را به من بنمای. بلکه این سخن ناظر به دیدگاه هایی است که ملاقات با امام زمان علیه السلام و تلاش برای رسیدن به آن را به عنوان اصلی ترین وظیفه منتظران مطرح می کند.

مهدی پرداخته و شاخصه های دموکراسی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصر علیه السلام قرار داده اند. این گروه تلاش می کنند که روایات مربوط به ظهور و حوادث پس از آن را به گونه ای تأویل و تفسیر کنند که با چارچوب های به ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آن ها هیچ تهافتی نداشته باشد.

آثاری که براساس دیدگاه های این گروه عرضه می شوند، از یک سو اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار را در اذهان مخاطبان خود در حد یک اندیشه اجتماعی، چون دیگر اندیشه های اجتماعی _ که چه بسا در آن جای چون و چرا و نقض و ابرام نیز وجود دارد _ تنزل داده و رفته رفته جوانان را نسبت به حتمیت و قطعیت واقعه ظهور و کارآمدی آن دچار تردید می کند. و از سوی دیگر این اندیشه را از همه پشتوانه های غیبی و الهی خود تهی ساخته و امام مهدی علیه السلام را در قالب رهبر یک جنبش اجتماعی که چون هر رهبر اجتماعی دیگر گرفتار سازوکارهای پذیرفته شده جوامع بشری است، مجسم می سازد.

چنان که گفته شد هر یک از این دو دیدگاه آثار و پیامدهای مخربی برای اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار داشته و لطمات جبران ناپذیری به کارکردها و آثار این اندیشه و فرهنگ وارد می سازد. از این رو لازم است که مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی با درایت و تیزبینی از غلبه این قبیل دیدگاه ها بر فعالیت های خود جلوگیری و با آثار زیانبار آن ها مقابله کنند. (۱)

۸ زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

۸ زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

چنانکه می دانید وعده به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان عدالت گستر موعود از همان سال های آغازین ظهور اسلام؛ یعنی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و در عصر امامت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به اوج خود رسید. با

۱- برای مطالعه بیشتر در زمینه آسیب شناسی باور مهدوی ر.ک: «آسیب شناسی تربیتی مهدویت»، خسرو باقری، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

توجه به این موضوع بود که رفته رفته مجموعه قابل توجهی از روایات در ارتباط با موضوع تولد، غیبت و حوادث پیش و پس از ظهور امام مهدی علیه السلام شکل گرفتند که راویان و محدثان شیعه و اهل سنت سینه به سینه نقل یا در کتاب های خود ثبت نموده بودند. اما حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد موجب شد که اولاً برخی از روایت های نقل شده از معصومین با دقت و صراحت کافی به ما منتقل نشوند و ثانیاً گروه ها و اقشار مختلف از جمله: دستگاه خلافت و صاحبان قدرت و منصب، گروه های معارض و داعیه داران خلافت و حکومت، مخالفان شیعه، افراد متأثر از آموزه های یهودی و... با اغراض و انگیزه های مختلف به جعل (۱) (وضع)، تحریف (۲) و تدلیس (۳) در این مجموعه روایات _ به ویژه روایات نقل شده

۱- «جعل» در لغت به معنای ساختن، قرار دادن، نهادن، مبدل ساختن، دیگرگون کردن و از حالتی به حالت دیگر درآوردن آمده است. ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۵، ص ۶۸۳۵ و در اصطلاح علم حدیث به معنای ساخت حدیث دروغین است، شایان ذکر است که در کتابهای «علم الحدیث» یا «علم الدرایه» به جای این واژه بیش تر از کلمه «وضع» استفاده می شود. به حدیث دروغین و حدیثی که راوی، خود آن را ساخته باشد، حدیث مجعول یا موضوع می گویند. (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۸۹؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرایه، ص ۱۱۳.

۲- معنای لغوی «تحریف» گردانیدن سخن و چیزی از جای خود است و معنای اصطلاحی آن کم و زیاد کردن در سند یا متن حدیث یا نهادن حرفی به جای حرف دیگر است. گاه به جای این اصطلاح از کلمه «تصحیف» استفاده می شود. شایان ذکر است که تحریف یا تصحیف گاه به صورت غیر عمدی و به دلیل اشتباه راوی یا کسانی که از کتاب های حدیثی نسخه برداری کرده اند رخ می دهد و گاه به صورت عمدی با هدف تغییر در معنای حدیث. به حدیثی که در آن تحریف و تصحیف رخ داده، محرف و مصحف می گویند. ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۶۵ و ۶۶؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرایه، ص ۶۴ و ۶۵.

۳- «تدلیس» در لغت، پنهان کردن و پوشیدن عیب کالا- بر خریدار معنا می دهد. ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۴، ص ۵۷۳۷ و در اصطلاح علمای حدیث به معنای پوشاندن و مخفی کردن عیب حدیث است. به این گونه که راوی در سند حدیث عملی انجام دهد که موجب اعتبار آن شود؛ مانند اینکه راویان ضعیف را از سند حدیث حذف کند، یا از کسی روایت کند که او را ندیده یا از او خبری شنیده است. به حدیثی که در آن تدلیس صورت گرفته، حدیث «مدلس» می گویند (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ج ۲، ص ۸۵؛ سیدرضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدرایه، ص ۱۰۵).

از طریق اهل سنت _ دست بزنند تا بتوانند یا این روایات را بر خود منطبق کنند؛ یا به وسیله آن ها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند؛ یا اینکه با ارائه چهره ای مخدوش، خونریز و خشونت طلب از امام مهدی علیه السلام مردم را از انتظار آن حضرت بر حذر دارند. (۱)

از سوی دیگر جذابیت و گیرایی خاصی که در موضوع منجی گرایی و مباحث مربوط به آینده و آخرالزمان وجود دارد موجب شده که در طول تاریخ خرافات (۲) و اندیشه های موهوم بسیاری بر حول این باور و اعتقاد اصیل شکل گیرد که این روند در عصر حاضر نیز متوقف نشده و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی، هنوز هم کسانی گاه _ به گمان خودشان _ با انگیزه های خیرخواهانه و گاه با انگیزه های سودجویانه، به ترویج خرافات و اندیشه های موهوم در میان مردم می پردازند.

با توجه به همین شرایط بود که چندی پیش حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی، از مراجع عظام تقلید، در پایان درس خارج خود، با ابراز نگرانی از رواج خرافات در جامعه فرمودند:

اخیرا در محراب مسجد جمکران یک تشکیلات شیشه ای سبزرنگ و چراغ و... درست کرده اند که کم کم به صورت امامزاده ای در آمده است... مردم برای بوسیدن این شیشه صف می کشند به شیشه ها دست

- ۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۱۷_۲۲۶؛ محمد صادقی، «تأملی در روایت های علایم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۸۲؛ جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، مقاله «بررسی نشانه های ظهور» اسماعیل اسماعیلی، ص ۲۴۱ _ ۳۱۳.
- ۲- «خرافه» در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل و افسانه و اسطوره، کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد، گفته ها یا عقاید بی بنیان و وهمی، سخن بیهوده، ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۶، ص ۸۶۴۲؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۵.

می کشند و به خودشان می مالند، کسانی هم هنگام دور شدن عقب عقب می روند مثل کاری که در حرم امامان و امامزاده ها می کنند... بعضی ها هم فاتحه می خوانند، عده ای تعظیم می کنند، بعضی از عوام هم می گویند اینجا قبر حضرت ولی عصر علیه السلام است... .

حتما چند سال دیگر هم فردی پیدا می شود و کتابی می نویسد که ۷۰ نفر از اوتاد در اینجا دفن شده اند... هر کس مرتکب این کار شده اشتباه کرده است، این ضربه ای به مسجد جمکران است... مسجد جمکران، مسجدی خالص از هرگونه خرافات بود، آمده اند آلوده اش کرده اند. (۱)

لازم به یادآوری است که در پی این تذکر روشنگرانه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تولیت محترم مسجد مقدس جمکران اقدام به جمع آوری موارد یاد شده نمود و در حال حاضر این مسجد کاملاً از این مظاهر خرافه پاکسازی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مؤسسات، مراکز و کانون های فرهنگی مهدوی لازم است که با ژرف اندیشی و احاطه کافی بر معارف مهدوی، اولاً- این معارف را از هرگونه روایت ضعیف و احیاناً مجعول و محرّف و همچنین از باورهای خرافی پالایش کنند و ثانيا در حد توان جلوی عرضه این گونه مطالب را بگیرند.

۹ توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

۹ توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

جشن ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده سازی جامعه

برای ظهور یگانه منجی عالم بشریت است. اما متأسفانه در سال های اخیر بسیاری از این جشن ها و مراسم کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خنثی، بی محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن ها و مراسم اعمالی صورت می گیرد که خلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیه الله الاعظم _ ارواحنا له الفداء _ است. اعمالی چون پخش موسیقی های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش های سخیف و بی محتوا و... .

در این شرایط وظیفه گروه ها و تشکل های فعال در حوزه فرهنگ مهدوی دو چندان شده و بر آن ها لازم است که ضمن تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی از هر عملی که برخلاف احترام و قداست این گونه مراسم و مغایر با خواسته های امام عصر علیه السلام است جلوگیری کنند.

توجه به بیانات حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده در این زمینه راهگشاست. ایشان می فرماید:

از این برنامه ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه سرایی، سخنانی و همایش برگزار می شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجه الله یگانه زمان، بهره برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولی خدا و ابعاد و اطراف و خصائص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می شود، بر حذر نمایند. (۱)

با امید به این که خداوند متعال به همه ما توفیق فعالیت تبلیغی مهدوی، همراه با معرفت و خلوص کامل و به دور از هرگونه افراط و تفریط عطا فرماید.

۱۰ گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

۱۰ گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

فراگیر شدن شور و شوق انتظار در جامعه ما و گرایش گروه های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی، ضرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی به این مباحث را دو چندان ساخته و رسالت مراکز، نهادها و گروه های فعال در این حوزه را سنگین تر نموده است. بدیهی است که در شرایط حاضر نمی توان تنها با طرح مطالب و مباحث سنتی مهدوی آن هم در قالب ها و اشکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روز افزون جامعه به این مباحث را پاسخ داد. از این رو بر مبلغان فرهنگ مهدوی لازم است که با گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، ارائه این گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می توان از منظر علوم مختلف انسانی؛ از جمله جامعه شناسی، روان شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی از منظر هنرهای تصویری چون سینما به ارائه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوعات و مسائل جدیدی که تا کنون در این حوزه مطرح نبوده توجه مخاطبان را جلب نمود. موضوعات و مسائلی چون آینده جهان و جهان آینده، اقتصاد جهانی، عدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسیب شناسی اجتماعی انتظار، منجی گرایی در سینما و

البته ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف نگری و احاطه به مباحث مهدوی

از یک سو و علم و اطلاع کافی از مبانی علوم موردنظر از سوی دیگر است و همین رو لازم است کانون ها و مجامع مهدوی که قصد ورود به این حوزه را دارند، پیش از هر اقدامی با کارشناسان شناخته شده و مورد اطمینان مشورت نمایند، تا خدای نخواستہ به دام التقاط یا ابتدال گرفتار نشوند.

۱۱ پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

۱۱ پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

در فصل اول این کتاب در بیان نقش سازنده انتظار گفتیم که: انتظار منجی از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی و تحرک شیعیان و آماده باش همیشگی آنان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا ظاهر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حجت در آینده ای نامشخص هم بیم دهنده و هم نویدبخش است. بیم دهنده است؛ زیرا منتظر با خود می گوید شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز ظهور رخ دهد پس باید آماده حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت باشم. و امیدبخش است؛ چرا که منتظر می اندیشد شاید در آینده ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختی ها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان هایی نشد که در پی غارت سرمایه های ایمانی و اعتقادی اند.

با توجه به مطالب یاد شده، می توان گفت که تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا منتظر را به سستی و یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده ای نه چندان دور، ظهور به وقوع نخواهد پیوست، ما به طور طبیعی دچار سکون و رکود می شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم؛ از به دست آوردن آمادگی

لازم برای ظهور خودداری می کنیم.

از سویی دیگر اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعده داده شده رخ ندهد ما دچار ناامیدی و یأس می شویم و چه بسا که در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز دچار تردید شویم. این نکته ای است که در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله در روایتی که فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده، آن حضرت در پاسخ این پرسش که «آیا برای این امر (برخاستن قائم علیه السلام)، وقت (مشخص) وجود دارد، فرمود:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَمَّا خَرَجَ وَإِذَا إِلَى رَبِّهِ وَعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا... (۱).

کسانی که برای این امر وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند (آن حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار کرد و آنگاه فرمود): زمانی که موسی علیه السلام قومش را برای رفتن به قراری که با پروردگارش داشت ترک کرد، به آن ها وعده داد که تا سی روز دیگر برمی گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قومش گفتند: موسی خلاف وعده کرد پس آن کردند که کردند....

داستان ارتداد قوم یهود و گوساله پرست شدن آن ها در پی تأخیر ده روزه حضرت موسی در تاریخ مشهور است و این هشدار است به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

آنچه در روایات امام باقر علیه السلام در مورد فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور آمده بود، به بیانی دیگر در روایتی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، آمده است. آن

حضرت در این زمینه می فرماید:

فَلَوْ قِيلَ لَنَا: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَى مِائَتِي سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سَنَةٍ لَقَسَتِ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَ لَكِنْ قَالُوا: مَا أَسْرَعَهُ وَ مَا أَقْرَبَهُ تَأَلُّفًا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقْرِيْبًا لِلْفَرَجِ. (۱)

اگر به ما گفته می شد: این امر [ظهور قائم] تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی شود؛ دل ها سخت می شد و بیشتر مردم از اسلام برمی گشتند. اما گفته اند: این امر چه با شتاب پیش می آید و چه نزدیک است! تا دل های مردم الفت گیرد و فرج نزدیک احساس شود.

بنابراین همه باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگهداشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آن ها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از پرداختن به موضوع زیان ظهور و تعیین وقت برای تان خودداری نمایند. (۲)

۱۲ پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس

۱۲ پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس

مروری اجمالی بر صدها کتاب روایی، کلامی، تاریخی و... که محققان و دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تا کنون در این باره نگاشته اند (۳) و نگاهی گذرا به هزاران روایتی که از پیامبر اکرم

۱- محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶.

۲- برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: ابراهیم شفیع سروستانی، «زمزمه های ظهور»، موعود، سال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

۳- تنها در کتاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده که از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر درآمده است. در کتابنامه هایی هم که در سال های اخیر به چاپ رسیده نزدیک به دو هزار کتاب که در زمینه مباحث مهدوی نوشته شده اند معرفی شده است. ر. ک: علی اکبر مهدی پور، کتابنامه امام مهدی علیه السلام.

صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در زمینه موضوعات مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده،^(۱) نشان می دهد که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت الهی و منجی آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه های عقلی و نقلی استوار و خلل ناپذیری برخوردار است که راه هرگونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می بندد و مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رؤیاهای بی اساس برای اثبات حقانیت این اندیشه بی نیاز می سازد.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، از مراجع عظام تقلید، در پیامی به «دومین جشنواره برترین های فرهنگ مهدویت» در این زمینه می فرماید:

در اینجا تذکر این نکته را لازم می بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رؤیاهای کاذبه و حوادث غیرصحيح نیست. باید در منابر از جذبه های واقعی ولایت و آثار و کرامت های مسلم الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات، که آن امری است غیر پایدار و گذرا.^(۲)

تکیه بر مطالب سست و بی بنیادی چون خواب و رؤیا برای ترویج و تبلیغ

۱- چنان که پیش از این گفته شد در کتاب منتخب الاثر حضرت آیه الله صافی گلپایگانی، نزدیک به ۱۳۰۰ روایت و در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام نزدیک به دو هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مباحث مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام نقل شده است که البته این ارقام صرف نظر از روایات مشابه و تکراری است.

۲- مجله موعود، سال ششم، ش ۳۲، تیر ۱۳۸۱.

فرهنگ مهدوی، نه تنها مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می دهد، بلکه اعتقاد و باور آن ها را نیز بسیار شکننده و آسیب پذیر می سازد؛ زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب و رؤیا جذب فرهنگ مهدوی می شوند، با وقوع اندک خدشه ای در این نقل ها دچار تزلزل و سردرگمی می گردند.

با عنایت به مطالب یاد شده بر همگان لازم است که در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدوی، به نحو شایسته ای به نکات زیر توجه کنند:

۱_۱۲. تلاش در جهت دفاع عقلانی از اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار و تبیین هر چه بهتر و دقیق تر مبانی این اندیشه و فرهنگ؛

۲_۱۲. دقت و مراقبت کامل در نقل مطالب و مباحث مهدوی، به ویژه حکایت های مربوط به تشرفات، و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛

۳_۱۲. پرهیز از مطرح ساختن خواب و رؤیاهایی که پایه و اساس محکم و متقنی ندارند، هر چند بسیار جذاب و اثرگذار باشند.

۱۳ پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

۱۳ پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

در سال های اخیر با گسترش فعالیت های مهدوی در جامعه، خیل وسیعی از مردم، از گروه ها و اقشار مختلف اجتماعی و با گرایش ها و تمایلات متفاوت سیاسی، بیش از پیش به فرهنگ مهدوی روی آورده و به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پایان بخش همه ناامیدی ها و نامرادی ها و آخرین ذخیره شیعه برای رهایی همه جهان از تیرگی ها و پلیدی ها دل بسته اند. از این رو بر همه مراکز، مؤسسات، هیأت های مذهبی و کانون هایی که به فعالیت های مهدوی مشغولند، لازم است که در فعالیت های خود تنها رضایت حضرت صاحب الامر علیه السلام را در نظر داشته باشند و از درآمیختن این موضوع با هرگونه اغراض و گرایش های جناحی و گروهی خودداری کنند؛ زیرا در این شرایط هر حرکتی که در جهت

کسب منافع جناحی و گروهی و بهره برداری سیاسی و حزبی از این گرایش ناب و خالص مردمی ورت گیرد، موجب از دست رفتن آخرین امید مردم، بدین شدن آن ها به فعالیت های مهدوی و در نتیجه پراکنده شدن آن ها از پیرامون مهم ترین محور وحدت امت اسلامی می شود که این خود خطایی جبران ناپذیر و گناهی نابخشودنی است.

۱۴ پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

۱۴ پرهیز از موضوعات و مباحث کم اهمیت یا بی اهمیت

چنانکه پیش از این نیز گفته شد در معارف اسلامی شناخت امام از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار است تا آنجا که وقتی شخصی از امام حسین علیه السلام می پرسد:

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟

آن حضرت پاسخ می دهند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ. (۱)

شناخت اهل هر زمان نسبت به امامی که باید از او فرمان برند.

حال این پرسش مطرح می شود که شناخت امام زمان _ که همه ما موظف به کسب آن هستیم _ چه محدوده ای دارد و چه موضوعاتی را شامل می شود؟ در پاسخ این پرسش می توان گفت: چنانکه از روایت یادشده نیز به دست می آید، شناخت امام عصر علیه السلام مقدمه ای برای اطاعت اوست و از این رو ما تنها موظف به شناخت آن دسته از موضوعات و مسائل مرتبط با امام عصر خود هستیم که ما را

۱- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ح ۳۸.

به اطاعت او نزدیک تر و از مخالفت او دورتر می سازد یا بر آمادگی و شوق ما برای حاضر شدن در پیشگاه آن حضرت و اطاعت از او امر و نواهی ایشان می افزاید. و شناخت هر آنچه که دانستن آن هیچ تأثیری در اطاعت ما نسبت به آن امام ندارد، در دایره تکلیف ما داخل نمی شود.

با توجه به آنچه گفته شد، مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی باید همه توان خود را صرف پرداختن به موضوعاتی چون: ویژگی ها و خصائص امام، ضرورت وجود امام و حجت الهی، جایگاه حجت در عالم هستی، مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران، چگونگی تحقق ظهور، ویژگی های جهان پس از ظهور و... نمایند و از پرداختن به موضوعات و مسائل کم اهمیت یا بی اهمیتی که دانستن آن ها وظیفه و تکلیف مردم نیست و تأثیری هم در اطاعت آن ها نسبت به امام زمان علیه السلام ندارد، خودداری کنند و اذهان مخاطبان خود را درگیر این گونه موضوعات و مسائل نسازند. موضوعات و مسائلی از این دست که محل زندگی و اقامت عصر علیه السلام کجاست، آیا آن حضرت زن و فرزند دارد و آیا...؟

۱. ابن طاووس، السيد علی بن موسی، إقبال الأعمال، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن طاووس، السيد علی بن موسی، مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵+۳ج، چاپ اول: بیروت، داراحیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. الاربلی، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الأئمه، ۳ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.
۵. امام خمینی، سیدروح الله الموسوی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۶. امام خمینی، سیدروح الله الموسوی، کتاب البیع، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۹۴ق.
۷. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ هجدهم: قم، شفق، ۱۳۷۸.
۸. باقری، خسرو، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۹. البحرانی الحسینی، السیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.
۱۰. البرهان الفوری، علی بن حسام الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بنی هاشمی، سیدمحمد، معرفت امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، نیک معارف ۱۳۷۵.
۱۲. پورطباطبائی، سید مجید، در جست و جوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان علیه السلام، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.
۱۳. جَزّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، ۲ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۴. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، چاپ سوم: قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
۱۵. حائری یزدی، شیخ علی، چهره درخشان امام زمان (ترجمه الزام الناصب فی إثبات الحجّه الغائب علیه السلام)، مترجم:

سید محمد جواد مرعشی نجفی، ۳ ج، چاپ اول: قم، علمیہ، ۱۴۰۱-۱۳۹۹ ق.

۱۶. الحُرّ العاملی، محمد بن الحسن، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ۷ ج، تصحیح سید

هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

۱۷. الحزّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.

۱۸. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، تهران: آفاق، ۱۳۷۵.

۱۹. حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۲۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲۱. خادمی شیرازی، محمد، نشانه های ظهور او، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.

۲۲. الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، ۳ ج، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.

۲۳. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، ۲ ج در یک مجلد، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.

۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۲۵. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

۲۶. رازی، محمد، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی)، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰.

۲۷. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، بیروت، دار الکلمات العربی، ۱۳۹۲ ق.

۲۸. رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات، مشهد، آستان قدس رضوی.

۲۹. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ۲ ج، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

۳۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم، «اصلی ترین فروع»، موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.

۳۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم، «زمزمه های ظهور» موعود، سال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

۳۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، چاپ اول: تهران،

موعود عصر، ۱۳۷۸.

۳۳. شفیعی سروستانی، اسماعیل، درآمدی بر استراتژی انتظار، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول:

تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.

۳۴. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۳۵. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۶. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ ج، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

۳۷. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ ج در یک مجلد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۳۸. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، مصباح المتهدج، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

۳۹. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبه، تحقیق عبادالله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.

۴۰. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه. بی تا.

۴۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.

۴۲. شیرازی، سیدحسن، کلمه الإمام المهدی علیه السلام، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ ق.

۴۳. صادقی، محمد، «تأملی در روایت های علائم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸، ۹ و ۱۰، تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۴۴. الصافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

۴۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عزنی نفسک)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵.

۴۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ق.

۴۷. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی _ قدس سره)، ۲۱ ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

٤٨. الطبرسى، أبى على الفضل بن الحسن (امين الإسلام طبرسى)، إعلام الورى بأعلام الهدى، ٢ج، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٧ق.

٤٩. الطبرسى، أبى منصور احمد بن على بن ابى طالب، الإحتجاج، تحقيق ابراهيم البهادرى، محمد هادى به، به اشراف: جعفر سبحانى، ٢ج، چاپ اول: قم، اسوه، ١٤١٣.

۵۰. الطهرانی، الشیخ آقا بزرگ، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ۲۴ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، بی تا.
۵۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ ج، چاپ پنجم: تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۵۲. الغروی، محمد، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. فقیه ایمانی، مهدی، شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۲.
۵۴. فیض الإسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۵. الفیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ۲ ج در یک مجلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۵۶. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمه الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
۵۷. القندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ۳ ج، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ ق.
۵۸. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفه المهدی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۹. الکفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹.
۶۰. الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۱. الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)، ۴ ج، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
۶۲. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، مترجم، عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام: ترجمه کتاب موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، چاپ ششم: قم، معروف و مشرقین، ۱۳۸۱.
۶۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.
۶۵. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه

السلام صادر شده و یا...، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۶۶. المجلسی، محمد باقر (علامه المجلسی)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، ۱۱۰ ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۶۷. المجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ ج + ۲ ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

۶۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، (همراه با ترجمه فارسی)، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ ج، چاپ دوم: قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.

۶۹. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث و درايه الحديث، ۲ ج در يك مجلد، چاپ پانزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۷۰. معين، محمد، فرهنگ فارسي، چاپ سيزدهم: تهران، اميركبير، ۱۳۷۸.
۷۱. موسوي اصفهاني، سيدمحمد تقی، مكيال المكارم في فوائد الدعاء للقائم عليه السلام، ۲ ج، ترجمه سيدمهدي حائري قزويني، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقيقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ق.
۷۲. مهدي پور، علي اكبر، كتابنامه حضرت مهدي عليه السلام: معرفي بيش از ۲۰۰۰ عنوان كتاب مستقل به زبان هاي مختلف، ۲ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادي، ۱۳۷۵.
۷۳. مهدي موعود، (ترجمه جلد سيزدهم بحارالانوار علامه المجلسي)، ترجمه علي دواني، چاپ چهاردهم: تهران، دارالكتب الاسلاميه، بي تا.
۷۴. ميرجهاني، سيد حسن، نواهب الدهور في علائم الظهور، ۲ ج در چهار مجلد، كتابخانه صدر، ۱۳۶۹.
۷۵. ميرجهاني طباطبائي، سيد محمدحسن، ولايت كليته، تحقيق و تصحيح سيد محمود لولاكي، چاپ اول: قم، الهادي، ۱۳۸۲.
۷۶. المؤتمر العامي لألفيه الشيخ المفيد، مصنفاً الشيخ المفيد رحمه الله، ۱۴ ج، چاپ اول: قم، ۱۴۱۳ ق.
۷۷. مؤدب، سيدرضا، علم الحديث: پژوهشي در مصطلح الحديث يا علم الدرايه، چاپ اول: قم، احسن الحديث، ۱۳۷۸.
۷۸. مؤسسه المعارف الاسلاميه، معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام، تحت اشراف: علي الكوراني، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ ق.
۷۹. النجفي، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ۴۳ ج، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷.
۸۰. النعماني، ابن ابى زينب محمّد بن ابراهيم بن جعفر، كتاب الغيبه، تحقيق و تصحيح علي اكبر غفاري، مترجم محمد جواد غفاري، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.
۸۱. النعماني، محمدبن ابراهيم كتاب الغيبه، تهران، مكتبه الصدوق.
۸۲. نوري، ميرزا حسين، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب الزمان (جمكران).
۸۳. واحد پژوهش و تحقيق مؤسسه فرهنگي موعود، پيشگويي ها و آخرالزمان، مجموعه مقالات، چاپ سوم: تهران، موعود عصر عليه السلام، ۱۳۸۲.

٨٤. همدانى، دبيرالدين صدرالإسلام على اكبر، بيوند معنوى با ساحت قدس مهدوى (تكاليف الأنام فى غيبه الإمام، عليه الصلوه والسلام)، چاپ اول: تهران، بدر، ١٣٤١.

٨٥. اليزدى الحائرى، شيخ على، إلزام الناصب فى إثبات الحجّه الغائب عليه السلام، ٢ج، چاپ دوم: قم، مكتبه الرضى، ١٤٠٤ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

